

فرهنگ نامه

تحلیل واژگان مشابه در قرآن

جلد اول

آخر - احصاء

جمعی از محققان



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.ketab.ir



فرهنگ نامه تحلیل واژگان مشابه در قرآن

جلد اول، آخر - احصاء

جمعی از محققان

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه: مرکز فرهنگ و معارف قرآن
- سرویراستار: محمدباقر انصاری
- ویراستار: محمدصادق زینی وند
- چاپ: جایخانه مؤسسه بوستان کتاب
- چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴
- شمارگان: ۷۵۰
- قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
- عنوان: ۳۴۸: مسلسل: ۵۶۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۳، ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸، کد پستی: ۳۷۱۵۶۴

مراکز پخش: ۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۴

۲. تهران، خیابان انقلاب، رویروی درب دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده

طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴

وب گاه: www.pub.isca.ac.ir و ایمیل: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir فروشگاه الکترونیک نشر دیجیتال: www.digi.isca.ac.ir

عنوان نام پدیدآور: فرهنگ نامه تحلیل واژگان مشابه در قرآن/ تألیف جمعی از محققان، تهیه مرکز

فرهنگ و معارف قرآن

مشخصات نشر: قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری:

ج.

978-600-195-245-6

شایبک:

978-600-195-246-3

۱- (ج: ۱)، ۶۰۸ ص: ۴۵۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی:

فیا

کتابنامه: ص [۵۸۹]-۵۹۶: همچنین به صورت زیرنویس

یادداشت:

نمایه

یادداشت:

ج. ۱. گروه واژگان: آخر - احصاء -

مندرجات:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن

۱۳۹۴ ف/۳/۸۲ BP

رده بندی کنگره:

۲۹۷/۱۵۳

رده بندی دیویی:

۴۱۶۸۷۲۷

شماره کتابشناسی ملی:

فهرست

۳۹	سخنی با خواننده
۴۱	مقدمه
۴۵	زمینه پژوهش
۴۵	۱. تفسیر راهنما
۴۶	۲. دایرةالمعارف موضوعات و مفاهیم قرآن
۴۷	۳. اصطلاح نامه معارف قرآن
۴۷	۴. فرهنگ موضوعی تفاسیر
۴۷	۵. فرهنگ قرآن
۴۸	۶. تحلیل واژگان مشابه در قرآن
۴۹	۱. واژه شناسی
۵۰	۲. پژوهش تفسیری
۵۲	۳. تحلیل واژگان مشابه در قرآن
۵۵	اهمیت پژوهش
۵۷	پیشینه پژوهش
۵۸	پیدایش اصطلاح ترادف

۶۰	گستره پژوهش
۶۱	رهاوردهای تحلیل واژگان مشابه در قرآن
۶۱	دستیابی به اطلاعات بدیع در فرهنگ کلمات قرآن
۶۵	کشف معانی اصطلاحات قرآنی
۶۶	بازشناسی موضوعات دینی
۶۸	بسترسازی تفسیر واژه بنیاد
۷۳	تدوین‌کنندگان
۷۳	سایر همکاران
۷۵	گروه واژگان: آخر، خاتم، عاقبت
۷۵	معناشناسی لغوی
۷۵	۱. آخر
۷۶	۲. خاتم
۷۷	۳. عاقبت
۷۹	جمع‌بندی معانی لغوی
۸۰	معناشناسی تفسیری
۸۰	۱. آخر
۸۱	۲. خاتم
۸۳	۳. عاقبت
۸۴	جمع‌بندی معانی تفسیری
۸۴	تحلیل نهایی
۸۴	الف) تفاوت آخر با خاتم
۸۵	ب) تفاوت آخر با عاقبت

۸۶	ج) تفاوت خاتم با عاقبت
۸۸	گروه واژگان: آیین، ابدال، تحویل، تثنیه، تغییر
۸۸	معناشناسی لغوی
۸۸	۱. آیین
۸۹	۲. ابدال
۹۰	۳. تحویل
۹۱	۴. تثنیه یا تَمْنُن
۹۲	۵. تغییر
۹۲	معناشناسی تفسیری
۹۲	۱. آیین
۹۳	۲. ابدال
۹۴	۳. تحویل
۹۵	۴. تثنیه یا تَمْنُن
۹۶	۵. تغییر
۹۷	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۱۰۰	گروه واژگان: آل، اهل، رجم، قُربی، نَسَب، موالی
۱۰۰	معناشناسی لغوی
۱۰۰	۱. آل
۱۰۱	۲. اهل
۱۰۱	۳. رجم
۱۰۲	۴. قُربی
۱۰۲	۵. موالی
۱۰۳	۶. نَسَب

معناشناسی تفسیری	۱۰۳
۱. آل	۱۰۳
۲. اهل	۱۰۴
۳. رَجَم	۱۰۶
۴. قُرْبَى	۱۰۶
۵. مَوَالِی	۱۰۷
۶. نَسَب	۱۰۸
جمع‌بندی و تحلیل نهایی	۱۰۹
گروه واژگان: آلاء، عِدة، مِدة	۱۱۱
معناشناسی لغوی	۱۱۱
۱. آلاء	۱۱۱
۲. مَن	۱۱۱
۳. نعمة	۱۱۲
معناشناسی تفسیری	۱۱۲
۱. آلاء	۱۱۲
۲. مَن	۱۱۳
۳. نعمة	۱۱۳
جمع‌بندی و تحلیل نهایی	۱۱۴
گروه واژگان: آن، آناء، أجل، أمة، أمد، حقب، حین، دهر، ساعة، عِدة، عصر، عمر، مِدة،	
میقات، وقت	۱۱۶
معناشناسی لغوی	۱۱۶
۱. آن	۱۱۶
۲. آناء	۱۱۷

۱۱۷	۳. أجل
۱۱۸	۴. أمة
۱۱۸	۵. أمد
۱۱۸	۶. حُقب
۱۱۹	۷. حين
۱۱۹	۸. دهر
۱۱۹	۹. عة
۱۲۰	۱۰. عِدّة
۱۲۱	۱۱. عصر
۱۲۱	۱۲. عُمر
۱۲۱	۱۳. مُدّة
۱۲۲	۱۴. میقات
۱۲۲	۱۵. وقت
۱۲۲	معناشناسی تفسیری
۱۲۲	۱. آن
۱۲۳	۲. آناء
۱۲۴	۳. أجل
۱۲۴	۴. أمة
۱۲۴	۵. أمد
۱۲۵	۶. حُقب
۱۲۵	۷. حين
۱۲۶	۸. دهر
۱۲۶	۹. ساعة

۱۲۷	 عَدَّة. ۱۰
۱۲۷	 عصر. ۱۱
۱۲۷	 غُفر. ۱۲
۱۲۸	 مُدَّة. ۱۳
۱۲۸	 میقات. ۱۴
۱۲۹	 وقت. ۱۵
۱۲۹	 جمع‌بندی و نتایج نهایی
۱۳۵	 گروه واژگان: آنیه، ابریق، جِفاَن، سِقایه، صِحاَف، ضِواَع، قُدور، کَاس، کُوب، وِعااء
۱۳۵	 معناشناسی لغوی
۱۳۵	 ۱. آنیه
۱۳۵	 ۲. ابریق
۱۳۶	 ۳. جِفاَن
۱۳۶	 ۴. سِقایه
۱۳۷	 ۵. صِحاَف
۱۳۷	 ۶. ضِواَع
۱۳۸	 ۷. قُدور
۱۳۸	 ۸. کَاس
۱۳۸	 ۹. کُوب
۱۳۹	 ۱۰. وِعااء
۱۳۹	 معناشناسی تفسیری
۱۳۹	 ۱. آنیه
۱۴۰	 ۲. ابریق
۱۴۰	 ۳. جِفاَن

۱۴۱	۴. سقایه
۱۴۱	۵. صحاف
۱۴۲	۶. ضواع
۱۴۲	۷. قدور
۱۴۳	۸. کُاس
۱۴۴	۹. کُوب
۱۴۵	۱۰. وعا
۱۴۵	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۱۴۸	گروه واژگان: آیه، اعر، برما، بلامه
۱۴۸	معناشناسی لغوی
۱۴۸	۱. آیه
۱۴۸	۲. اثر
۱۴۹	۳. سیما
۱۴۹	۴. علامت
۱۵۰	معناشناسی تفسیری
۱۵۰	۱. آیه
۱۵۱	۲. اثر
۱۵۱	۳. سیما
۱۵۲	۴. علامت
۱۵۲	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۱۵۴	گروه واژگان: آب، والد
۱۵۴	معناشناسی لغوی
۱۵۴	۱. آب

۱۵۵	۲. والد
۱۵۵	معناشناسی تفسیری
۱۵۵	۱. آب
۱۵۶	۲. والد
۱۵۷	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۱۵۹	گروه واژگان: باء، ادبار، اعراض، ثولی، ضَدّ، ضَاف، عَدَل، عَسَس
۱۵۹	معناشناسی لغوی
۱۵۹	۱. إِبَاء
۱۶۰	۲. ادبار
۱۶۰	۳. اعراض
۱۶۰	۴. ثَوَلَى
۱۶۱	۵. ضَدّ
۱۶۱	۶. ضَاف
۱۶۱	۷. عَدَل
۱۶۲	۸. عَسَس
۱۶۲	معناشناسی تفسیری
۱۶۲	۱. إِبَاء
۱۶۳	۲. ادبار
۱۶۳	۳. اعراض
۱۶۴	۴. ثَوَلَى
۱۶۴	۵. ضَدّ
۱۶۵	۶. ضَاف
۱۶۵	۷. عَدَل

۱۶۶	۸. عَسَس
۱۶۶	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۱۷۱	گروه واژگان اَباق، حَید، فِرار، مَحِیص، مَناص و هُزب
۱۷۱	معناشناسی لغوی
۱۷۱	۱. اَباق
۱۷۱	۲. حَید
۱۷۲	۳. فِرار
۱۷۲	۴. مَحِیص
۱۷۲	۵. مَناص
۱۷۳	۶. هُزب
۱۷۳	معناشناسی تفسیری
۱۷۳	۱. اَباق
۱۷۴	۲. حَید
۱۷۴	۳. فِرار
۱۷۵	۴. مَحِیص
۱۷۵	۵. مَناص
۱۷۵	۶. هُزب
۱۷۶	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
	گروه واژگان: اَبَتغاء، اَبَتراج، اراده، اَبَتِراف، اَبَتِماس، اَمَر، اَبَتِحث، اَبَتِجسس، اَبَتِحوِی،
۱۷۹	اَبَتِجسس، سَوال، شَهوت، طَلَب، عَزم، قَصد، کَسب
۱۷۹	معناشناسی لغوی
۱۷۹	۱. اَبَتغاء
۱۸۰	۲. اَبَتراج

۱۸۱	۳. إرادة
۱۸۱	۴. إقتراف
۱۸۲	۵. إلتماس
۱۸۲	۶. أمر
۱۸۳	۷. بحث
۱۸۳	۸. تجسس
۱۸۴	۹. تحزی
۱۸۴	۱۰. تحسس
۱۸۵	۱۱. سؤال
۱۸۶	۱۲. شهوة
۱۸۷	۱۳. طلب
۱۸۷	۱۴. غزم
۱۸۸	۱۵. قصد
۱۸۸	۱۶. کسب
۱۸۸	معناشناسی تفسیری
۱۸۸	۱. ابتغاء
۱۸۹	۲. اراده
۱۸۹	۳. التماس
۱۹۰	۴. أمر
۱۹۰	۵. بحث
۱۹۱	۶. تجسس
۱۹۱	۷. تحزی
۱۹۲	۸. تحسس

۱۹۲	۹. سؤال
۱۹۴	۱۰. شهوت
۱۹۴	۱۱. طلب
۱۹۵	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۰۱	گروه واژگان: ابتلاء، امتحان، تمحیص، فتنه
۲۰۱	معناشناسی لغوی
۲۰۱	۱. ابتلاء
۲۰۲	۲. امتحان
۲۰۲	۳. تمحیص
۲۰۳	۴. فتنه
۲۰۳	معناشناسی تفسیری
۲۰۳	۱. ابتلاء
۲۰۵	۲. امتحان
۲۰۵	۳. تمحیص
۲۰۶	۴. فتنه
۲۰۷	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۱۰	گروه واژگان: ابتهاال، ابعاد، رَجم، سَبّ، طُرد، لَغن
۲۱۰	معناشناسی لغوی
۲۱۰	۱. ابتهاال
۲۱۱	۲. ابعاد
۲۱۲	۳. رَجم
۲۱۳	۴. سَبّ
۲۱۳	۵. طُرد

۲۱۴	۶. لَعْن
۲۱۵	معناشناسی تفسیری
۲۱۵	۱. اِبْتِهَال
۲۱۶	۲. اِیْعَاد
۲۱۷	۳. رَجْم
۲۱۹	۴. نَسَب
۲۱۹	۵. طَرْد
۲۲۰	۶. لَعْن
۲۲۱	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۲۵	گروه واژگان: اِبْتِهَال، تَضَرُّع
۲۲۵	معناشناسی لغوی
۲۲۵	۱. اِبْتِهَال
۲۲۶	۲. تَضَرُّع
۲۲۷	معناشناسی تفسیری
۲۲۷	۱. اِبْتِهَال
۲۲۸	۲. تَضَرُّع
۲۲۹	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۳۱	گروه واژگان: اِبْتِهَال، لَعْن
۲۳۱	معناشناسی لغوی
۲۳۱	۱. اِبْتِهَال
۲۳۲	۲. لَعْن
۲۳۳	معناشناسی تفسیری
۲۳۳	۱. اِبْتِهَال

۲۳۴	۲. لعن.....
۲۳۶	جمع‌بندی و تحلیل نهایی.....
۲۳۸	گروه واژگان: ابد، بقاء، ثبوت، حُقب، خُلود، دوام، سزمد، واصب.....
۲۳۸	معناشناسی لغوی.....
۲۳۸	۱. ابد.....
۲۳۹	۲. بقاء.....
۲۳۹	۳. ثبوت.....
۲۳۹	۴. حُقب.....
۲۴۰	۵. خُلود.....
۲۴۰	۶. دوام.....
۲۴۱	۷. سزمد.....
۲۴۱	۸. واصب.....
۲۴۲	معناشناسی تفسیری.....
۲۴۲	۱. ابد.....
۲۴۳	۲. بقاء.....
۲۴۳	۳. ثبوت.....
۲۴۴	۴. حُقب.....
۲۴۴	۵. خُلود.....
۲۴۵	۶. دوام.....
۲۴۵	۷. سزمد.....
۲۴۶	۸. واصب.....
۲۴۶	جمع‌بندی و تحلیل نهایی.....
	گروه واژگان: ابداء، ابراز، اجهار، اذاعة، اذان، اشاعه، اصداع، اظهار، اعلان، بوح، یسان،

۲۵۰		خَضَخَصَّ، سَفَر، شُرْع، طُلُوع، كَشَف
۲۵۰		معناشناسی لغوی
۲۵۰		۱. اِبداء
۲۵۱		۲. اِنْبِرَاز
۲۵۲		۳. اِجْهَار
۲۵۲		۴. اِذَاعَة
۲۵۳		۵. اِشَاعَة
۲۵۳		۶. اِضْطِلَ
۲۵۴		۷. اِظْهَار
۲۵۵		۸. اِعْلَان
۲۵۶		۹. بَرَح
۲۵۶		۱۰. بَيَان
۲۵۷		۱۱. خَضَخَصَّ
۲۵۷		۱۲. سَفَر
۲۵۸		۱۳. شُرْع
۲۵۸		۱۴. طُلُوع
۲۵۸		۱۵. كَشَف
۲۵۹		معناشناسی تفسیری
۲۵۹		۱. اِبداء
۲۶۰		۲. اِنْبِرَاز
۲۶۱		۳. اِجْهَار
۲۶۲		۴. اِذَاعَة
۲۶۳		۵. اِذَان

۲۶۳	۶. إشاعة
۲۶۳	۷. اضداع
۲۶۴	۸. اظهار
۲۶۵	۹. إعلان
۲۶۶	۱۰. بیان
۲۶۷	۱۱. حَضْحَاة
۲۶۷	۱۲. سر
۲۶۸	۱۳. شُرْع
۲۶۸	۱۴. طُلُوع
۲۶۹	۱۵. کشف
۲۶۹	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۷۴	گروه واژگان: ابداع، احداث، انشاء، بدأ، تَأْكِيد، جَعَلَ، خَلَق، ذَرَأَ، ضَنَّع، فَطَرَ
۲۷۴	معناشناسی لغوی
۲۷۴	۱. ابداع
۲۷۵	۲. احداث
۲۷۵	۳. انشاء
۲۷۶	۴. بَدَأَ
۲۷۶	۵. بَرَأَ
۲۷۷	۶. تَكْوِين
۲۷۷	۷. جَعَلَ
۲۷۸	۸. خَلَقَ
۲۷۸	۹. ذَرَأَ
۲۷۹	۱۰. ضَنَّع

۲۷۹	۱۱. فطر
۲۸۰	معناشناسی تفسیری
۲۸۰	۱. ابداع
۲۸۱	۲. احداث
۲۸۱	۳. انشاء
۲۸۲	۴. بدأ
۲۸۳	۵. برأ
۲۸۴	۶. تکوین
۲۸۵	۷. جعل
۲۸۶	۸. خلق
۲۸۶	۹. ذرأ
۲۸۷	۱۰. صنع
۲۸۸	۱۱. فطر
۲۸۹	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۹۶	گروه واژگان: ابرام، ایتقان، احکام
۲۹۶	معناشناسی لغوی
۲۹۶	۱. ابرام
۲۹۷	۲. ایتقان
۲۹۷	۳. احکام
۲۹۸	معناشناسی تفسیری
۲۹۸	۱. ابرام
۲۹۸	۲. ایتقان
۲۹۹	۳. احکام

۳۰۰	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۰۲	گروه واژگان: ایل، انعام، بدن، بحیره، بعیر، جمل، ضامر، عشار، ناقه
۳۰۲	معناشناسی لغوی
۳۰۲	۱. ایل
۳۰۳	۲. انعام
۳۰۳	۳. بدن
۳۰۴	۴. بعیر
۳۰۵	۵. جمل
۳۰۶	۶. ضامر
۳۰۶	۷. عشار
۳۰۷	۸. ناقه
۳۰۷	معناشناسی تفسیری
۳۰۷	۱. ایل
۳۰۸	۲. انعام
۳۰۸	۳. بدن
۳۱۰	۴. بعیر
۳۱۰	۵. جمل
۳۱۱	۶. ضامر
۳۱۱	۷. عشار
۳۱۱	۸. ناقه
۳۱۲	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۱۴	گروه واژگان: ابلاس، قنوط، یأس
۳۱۴	معناشناسی لغوی

۳۱۴	۱. ایلاس
۳۱۵	۲. قُئوط
۳۱۵	۳. یأس
۳۱۶	معناشناسی تفسیری
۳۱۶	۱. ایلاس
۳۱۷	۲. قئوط
۳۱۸	۳. یأس
۳۱۹	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۲۱	گروه واژگان: ابلاغ، آداء، آذن، اطلاع، انباء، انذار
۳۲۱	معناشناسی لغوی
۳۲۱	۱. ابلاغ
۳۲۱	۲. آداء
۳۲۲	۳. آذان
۳۲۲	۴. اطلاع
۳۲۳	۵. انباء
۳۲۳	۶. انذار
۳۲۳	معناشناسی تفسیری
۳۲۳	۱. ابلاغ
۳۲۴	۲. آداء
۳۲۵	۳. آذان
۳۲۵	۴. اطلاع
۳۲۶	۵. انباء
۳۲۶	۶. انذار

۳۲۷	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۲۹	گروه واژگان: ابلیس، شیطان
۳۲۹	معناشناسی لغوی
۳۲۹	۱. ابلیس
۳۳۰	۲. شیطان
۳۳۱	معناشناسی تفسیری
۳۳۱	۱. ابلیس
۳۳۲	۲. شیطان
۳۳۳	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۳۵	گروه واژگان: ابناء، حفدة، ذرية، سبط، عقب، نسل، ولد
۳۳۵	معناشناسی لغوی
۳۳۵	۱. ابناء
۳۳۶	۲. حفدة
۳۳۶	۳. ذرية
۳۳۷	۴. سبط
۳۳۷	۵. عقب
۳۳۸	۶. نسل
۳۳۸	۷. ولد
۳۳۹	معناشناسی تفسیری
۳۳۹	۱. ابناء
۳۴۰	۲. حفدة
۳۴۱	۳. ذرية
۳۴۳	۴. سبط

۳۴۳		۵. عقب
۳۴۴		۶. نسل
۳۴۴		۷. ولد
۳۴۵		جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۴۷		گروه واژگان: اتباع، اجابت، اسلام، اطاعت، اقتداء، قفا، عبادت، قنوت
۳۴۷		معناشناسی لغوی
۳۴۷		۱. اتباع
۳۴۷		۲. اجابت
۳۴۸		۳. اسلام
۳۴۸		۴. اطاعت
۳۴۹		۵. اقتداء
۳۵۰		۶. قفا
۳۵۰		۷. عبادت
۳۵۰		۸. قنوت
۳۵۱		معناشناسی تفسیری
۳۵۱		۱. اتباع
۳۵۱		۲. اجابت
۳۵۲		۳. اسلام
۳۵۳		۴. اطاعت
۳۵۴		۵. اقتداء
۳۵۴		۶. قفا
۳۵۴		۷. عبادت
۳۵۵		۸. قنوت

۳۵۵	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۶۱	گروه واژگان: اِثْعَاظ، اِغْتِبَار، تَذَكَّر
۳۶۱	معناشناسی لغوی
۳۶۱	۱. اِثْعَاظ
۳۶۱	۲. اِغْتِبَار
۳۶۲	۳. تَذَكَّر
۳۶۳	معناشناسی تفسیری
۳۶۳	۱. اِثْعَاظ
۳۶۳	۲. اِغْتِبَار
۳۶۴	۳. تَذَكَّر
۳۶۵	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۶۷	گروه واژگان: اِثْقَاء، اِجْتِنَاب، اِنْتِهَاء
۳۶۷	معناشناسی لغوی
۳۶۷	۱. اِثْقَاء
۳۶۷	۲. اِجْتِنَاب
۳۶۸	۳. اِنْتِهَاء
۳۶۸	معناشناسی تفسیری
۳۶۸	۱. اِثْقَاء
۳۷۰	۲. اِجْتِنَاب
۳۷۱	۳. اِنْتِهَاء
۳۷۲	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۳۷۳	گروه واژگان: اِثْقَاء، بَأْس، حَذَر، حُشْيَة، خَوْف، دُعْر، رُغْب، رُوع، رَهْبَة، شَفَق، فَرْق، فَرْع، وَجْه، وَحْشَة، وَجَل، هَوْل

معناشناسی لغوی	۳۷۳
۱. إِتْقَاء	۳۷۳
۲. بَأْس	۳۷۴
۳. حَذَر	۳۷۴
۴. حَشِيَّة	۳۷۴
۵. حَوْف	۳۷۵
۶. دُعَر	۳۷۵
۷. رُغْب	۳۷۶
۸. رَوْع	۳۷۶
۹. رَهْبَة	۳۷۶
۱۰. شَفَق	۳۷۷
۱۱. فَرَق	۳۷۷
۱۲. فَرَع	۳۷۷
۱۳. وَجَف	۳۷۸
۱۴. وَجَل	۳۷۹
۱۵. وَحْشَة	۳۷۹
۱۶. هَوْل	۳۷۹
معناشناسی تفسیری	۳۸۰
۱. إِتْقَاء	۳۸۰
۲. بَأْس	۳۸۰
۳. حَذَر	۳۸۱
۴. حَشِيَّة	۳۸۲
۵. حَوْف	۳۸۳

۲۸۴	ع. رُعب
۲۸۵	۷. رُوع
۲۸۵	۸. رُهبه
۲۸۶	۹. شَفَق
۲۸۶	۱۰. فَرْق
۲۸۷	۱۱. فَرْع
۲۸۷	۱۲. رُجف
۲۸۸	۱۳. وَجَل
۲۸۹	۱۴. وَحْشَة
۲۸۹	۱۵. هَوَل
۲۸۹	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۲۹۳	گروه واژگان: اِتْکاء، ثُبوت، رُکون، سُکون، مُسْتَدَة
۲۹۳	معناشناسی لغوی
۲۹۳	۱. اِتْکاء
۲۹۴	۲. ثُبوت
۲۹۴	۳. رُکون
۲۹۵	۴. سُکون
۲۹۶	۵. مُسْتَدَة
۲۹۶	معناشناسی تفسیری
۲۹۶	۱. اِتْکاء
۲۹۸	۲. ثُبوت
۲۹۹	۳. رُکون
۴۰۰	۴. سُکون

۴۰۱		۵. مُسَنَدَه
۴۰۲		جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۴۰۵		گروه واژگان: اِتیان، اِقبال، طُلوع، مَجِیء
۴۰۵		معناشناسی لغوی
۴۰۵		۱. اِتیان
۴۰۵		۲. اِقبال
۴۰۶		۳. طُلوع
۴۰۶		۴. مَجِیء
۴۰۶		معناشناسی تفسیری
۴۰۶		۱. اِتیان
۴۰۷		۲. اِقبال
۴۰۷		۳. مَجِیء
۴۰۸		جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۴۱۰		گروه واژگان اِثارة، بَغْثَر
۴۱۰		معناشناسی لغوی
۴۱۰		۱. اِثارة
۴۱۱		۲. بَغْثَر
۴۱۱		معناشناسی تفسیری
۴۱۱		۱. اِثارة
۴۱۲		۲. بَغْثَر
۴۱۲		جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۴۱۴		گروه واژگان: اِثارة، بَحْث، حَفَر
۴۱۴		معناشناسی لغوی

۴۱۴	۱. آثار
۴۱۴	۲. بحث
۴۱۵	۳. حفر
۴۱۶	معناشناسی تفسیری
۴۱۶	۱. إثارة
۴۱۷	۲. بحث
۴۱۸	۳. سر
۴۱۹	جمع‌بندی و تحلیل کلی
	گروه واژگان: اثم، حرم، حرج، جنث، خوب، خطیئة، ذنب، زلة، سوء، سيئة،
۴۲۱	عُضَيان، عُنْتُ، فُجُور، فَحْشَاء، وَثَر
۴۲۱	معناشناسی لغوی
۴۲۱	۱. اثم
۴۲۲	۲. حُرْم
۴۲۲	۳. جُنَاح
۴۲۳	۴. حَرْج
۴۲۳	۵. جنث
۴۲۴	۶. حُوب
۴۲۴	۷. حُطِيئَة
۴۲۵	۸. ذَنْب
۴۲۶	۹. زَلَة
۴۲۶	۱۰. سُوء
۴۲۷	۱۱. سِيئَة
۴۲۷	۱۲. عُضَيان

۴۲۸.....	۱۳. غَنَّت
۴۲۹.....	۱۴. فُجُور
۴۲۹.....	۱۵. فَحْشاء
۴۳۰.....	۱۶. وَزَر
۴۳۱.....	معناشناسی تفسیری
۴۳۱.....	۱. اِثْم
۴۳۲.....	۲. جُرْم
۴۳۳.....	۳. خُناح
۴۳۴.....	۴. حَرَج
۴۳۵.....	۵. حِنْت
۴۳۵.....	۶. حُوب
۴۳۶.....	۷. حَطيئة
۴۳۷.....	۸. ذَنْب
۴۳۸.....	۹. زَلَّة
۴۳۹.....	۱۰. شَوْء
۴۴۰.....	۱۱. سَيِّئَة
۴۴۲.....	۱۲. عَضِيان
۴۴۳.....	۱۳. غَنَّت
۴۴۴.....	۱۴. فُجُور
۴۴۴.....	۱۵. فَحْشاء
۴۴۵.....	۱۶. وَزَر
۴۴۶.....	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۴۵۲.....	گروه واژگان: اجْتَباء، اِختیار، اِضْطفاء، اِثْنا، تَفْضیل

۴۵۲	معناشناسی لغوی
۴۵۲	۱. اجتناب
۴۵۳	۲. اختیار
۴۵۳	۳. اصطفاء
۴۵۴	۴. ایشار
۴۵۴	۵. تفضیل
۴۵۵	معناشناسی تفسیری
۴۵۵	۱. اجتناب
۴۵۵	۲. اختیار
۴۵۶	۳. اصطفاء
۴۵۷	۴. ایشار
۴۵۷	۵. تفضیل
۴۵۸	جمع بندی و تحلیل نهایی
۴۶۳	گروه واژگان: «اجر»، «ثواب»، «دین»، «جزاء»
۴۶۳	معناشناسی لغوی
۴۶۳	۱. اجر
۴۶۳	۲. ثواب
۴۶۴	۳. دین
۴۶۴	۴. جزاء
۴۶۵	معناشناسی تفسیری
۴۶۵	۱. اجر
۴۶۷	۲. ثواب
۴۶۹	۳. دین

۴۷۰	۴. جزاء
۴۷۱	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۴۷۳	گروه واژگان: اجماع، اراده، اصابه، أم، تُیَمِّم، حَج، عَزَم، مَشِیت، هَم
۴۷۳	معناشناسی لغوی
۴۷۳	۱. اجماع
۴۷۳	۲. اراده
۴۷۴	۳. اصابه
۴۷۵	۴. أم
۴۷۵	۵. تُیَمِّم
۴۷۵	۶. حَج
۴۷۶	۷. عَزَم
۴۷۶	۸. قَضَد
۴۷۷	۹. مَشِیت
۴۷۷	۱۰. هَم
۴۷۷	معناشناسی تفسیری
۴۷۷	۱. اجماع
۴۷۸	۲. اراده
۴۷۹	۳. اصابه
۴۸۰	۴. أم
۴۸۰	۵. تیمم
۴۸۱	۶. حَج
۴۸۲	۷. عَزَم
۴۸۲	۸. مَشِیت

۴۸۳	۹. هم
۴۸۴	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۴۸۸	گروه واژگان إحاطه، أغلال، جیب، حاق، خدق، خف، دور، طوف، طوق، فلاند
۴۸۸	معناشناسی لغوی
۴۸۸	۱. إحاطه
۴۸۹	۲. أغلال
۴۹۰	۳. جیب
۴۹۰	۴. حاق
۴۹۱	۵. خدق
۴۹۲	۶. خف
۴۹۳	۷. دور
۴۹۴	۸. طوف
۴۹۵	۹. طوق
۴۹۶	۱۰. فلاند
۴۹۷	معناشناسی تفسیری
۴۹۷	۱. إحاطه
۴۹۸	۲. أغلال
۵۰۰	۳. جیب
۵۰۰	۴. حاق
۵۰۱	۵. خدق
۵۰۲	۶. خف
۵۰۳	۷. دور
۵۰۴	۸. طوف

۵۰۵	 ۹. طوق
۵۰۶	 ۱۰. قلائد
۵۰۶	 جمع‌بندی و تحلیل نهایی
	گروه واژگان: اخبار، احساس، ادراک، اطلاع، ایناس، بصر، حکم، حقی، خبر، درایة، ذکر،
۵۱۳	 رؤیة، سَمْع، شَهادة، شعور، ظَن، عِرفان، عِلْم، عَقْل، فِقه، فَهم، وجدان، یقین
۵۱۳	 معنانشاسی لغوی
۵۱۳	 ۱. أخبار
۵۱۴	 ۲. احساس
۵۱۴	 ۳. اطلاع
۵۱۴	 ۴. ایناس
۵۱۵	 ۵. بَصَر (و بصیرة)
۵۱۵	 ۶. حَقِی
۵۱۶	 ۷. حُکْم (و حکمة)
۵۱۶	 ۸. خُبَر
۵۱۶	 ۹. درایة
۵۱۷	 ۱۰. ذِکْر
۵۱۷	 ۱۱. رُؤیة
۵۱۸	 ۱۲. سَمْع
۵۱۸	 ۱۳. شُعور
۵۱۹	 ۱۴. شَهادة
۵۱۹	 ۱۵. ظَن
۵۲۰	 ۱۶. عُثُور
۵۲۰	 ۱۷. عِرفان

۵۲۱	۱۸. علم
۵۲۱	۱۹. عقل
۵۲۱	۲۰. فقه
۵۲۲	۲۱. فهم
۵۲۲	۲۲. یقین
۵۲۲	معناشناسی تفاسیری
۵۲۲	۱. اخبار
۵۲۳	۲. احساس
۵۲۴	۳. ادراک
۵۲۵	۴. اطلاع
۵۲۶	۵. ایناس
۵۲۶	۶. بَصَر (و بصیرة)
۵۲۷	۷. حَفَی
۵۲۸	۸. حُکَم (حکمة)
۵۲۹	۹. حُجَر
۵۳۰	۱۰. دِرَايَت
۵۳۰	۱۱. ذِکَر
۵۳۱	۱۲. رُؤِیَت
۵۳۲	۱۳. سَمع
۵۳۲	۱۴. شَعور
۵۳۳	۱۵. شَهَادَة
۵۳۴	۱۶. ظَن
۵۳۴	۱۷. غُثُور

۵۳۵		۱۸. عرفان
۵۳۶		۱۹. علم
۵۳۶		۲۰. عقل
۵۳۷		۲۱. فقه
۵۳۷		۲۲. فهم
۵۳۸		۲۳. وجدان
۵۳۸		۲۴. یقین
۵۳۹		جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۵۵۶		گروه واژگان: أحد، فُد، واج، وتر (با فتحه و کسره واو)
۵۵۶		معناشناسی لغوی
۵۵۶		۱. أحد
۵۵۷		۲. فرد
۵۵۷		۳. واحد
۵۵۸		۴. وُتر (با فتحه یا کسره)
۵۵۸		معناشناسی تفسیری
۵۵۸		۱. أحد
۵۵۹		۲. فرد
۵۶۰		۳. واحد
۵۶۱		۴. وتر
۵۶۲		جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۵۶۵		گروه واژگان: احساس، استیناس، ایلاف، وجدان
۵۶۵		معناشناسی لغوی
۵۶۵		۱. احساس

۵۶۶	۲. استیناس
۵۶۶	۳. ایلاف
۵۶۷	۴. وجدان
۵۶۷	معناشناسی تفسیری
۵۶۷	۱. احساس
۵۶۸	۲. استیناس
۵۶۸	۳. ایلاف
۵۶۹	۴. وجدان
۵۶۹	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۵۷۲	گروه واژگان: احسان، انعام، بَر، خیر، فضل، معروف و مِنة
۵۷۲	۱. احسان
۵۷۲	۲. انعام
۵۷۳	۳. بَر
۵۷۳	۴. خیر
۵۷۳	۵. فضل
۵۷۴	۶. معروف
۵۷۴	۷. مِنة
۵۷۵	معناشناسی تفسیری
۵۷۵	۱. احسان
۵۷۵	۲. انعام
۵۷۶	۳. بَر
۵۷۷	۴. خیر
۵۷۸	۵. فضل

۵۷۹	۶. معروف
۵۷۹	۷. منة
۵۸۰	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۵۸۲	گروه واژگان: احصاء، حساب، عدّ
۵۸۲	معناشناسی لغوی
۵۸۲	۱. احصاء
۵۸۳	۲. حساب
۵۸۳	۳. عدّ
۵۸۳	معناشناسی تفسیری
۵۸۳	۱. احصاء
۵۸۴	۲. حساب
۵۸۵	۳. عدّ
۵۸۵	جمع‌بندی و تحلیل نهایی
۵۸۹	کتاب‌نامه
۵۹۷	نمایه
۵۹۷	اشخاص
۶۰۱	اصطلاحات
۶۰۱	کتاب‌ها
۶۰۱	مکان‌ها

سخنی با خواننده

«وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»^۱ به یاد آورید روزی را که از هر امتی، گواهی از خوشان بر آنان برمی‌انگیزیم و تو را گواه بر ایشان قرار می‌دهیم و این کتاب را بر تو نازل کردیم تا میانگرم همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

قرآن آخرین کتاب آسمانی و برنامه جامع راه‌های انسان به سوی تکامل و معجزه بزرگ پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و منبع غنی و لایزال حکمت الهی به شمار می‌آید. یکی از راه‌های دستیابی به معارف نورانی قرآن کریم، تأمل و کاوش معبران و اندیشمندان قرآن‌پژوه در الفاظ و حیانی آیات الهی است؛ بر این اساس مرکز فرهنگ و معارف قرآن با بهره‌گیری از پژوهشگران برجسته قرآن‌پژوه، تدوین فرهنگ‌نامه تحلیل واژگان مشابه قرآن را در دستور کار گروه فرهنگ‌نامه‌های قرآن قرار داده است. با آماده‌شدن طرح اولیه این پژوهش توسط اینجانب و تصویب شورای پژوهشی مرکز و شورای عالی پژوهش پژوهشگاه مجموعه‌ای از کارشناسان تعیین گروه واژگان مشابه را بر

عهده گرفتند. با مشخص شدن بیش از چهارصد گروه واژگان مترادف و مشابه در قرآن، شماری از محققان پرونده علمی این گروه‌ها را تشکیل دادند؛ سپس تدوین تحقیق آغاز شد و هم‌اکنون جلد اول آن پس از ارزیابی و نظارت شورای پژوهشی به جامعه قرآن‌پژوه تقدیم می‌شود.

در پایان از حمایت‌های رئیس محترم دفتر تبلیغات اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر احمد واعظی و رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر نجف لک‌زایی تشکر می‌کنیم، همچنین از همه پژوهشگرانی که در به‌ثمر رسیدن این اثر قرآنی تلاش کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنیم؛ به‌ر ه حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای عیسی عیسی‌زاده، مدیر گروه فرهنگ‌نامه‌های قرآنی، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحسن سادات، مسئول این تحقیق و حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقایان محمدعلی مهدوی راد و مصطفی محامی، ارزیابان این طرح. نیز جا دارد از نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که آماده‌سازی متن حاضر را بر عهده داشته است، تشکر کنیم.

محمدصادق یوسفی مقدم

دکتر، مرکز فرهنگ و معارف قرآن

هنوز قواعد زبان عربی شریف و تدوین نشده بود که آخرین کتاب آسمانی، قرآن کریم، به این زبان فرو فرستاده شد: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱ از آن پس شناخت زبان عربی مقدمه فهمیدن شد. این زبان گویش‌های قومی و قبیله‌ای فصیحی دارد؛ اگر زبان دین اسلام قرار می‌گرفت جایگاهی بیش از زبان تاریخی اقوام در منطقه جغرافیایی جزیره العرب نمی‌یافت. دیدگاه زبان‌شناسان زبان عربی، نزول قرآن به عربی حق بزرگی بر زبان و ادبیات عرب دارد زیرا آن را از محصور شدن در اقوام دوره تاریخی خاص نجات بخشید و از تطوّرانی که موجب آشفته‌گی زبان عربی فصیح می‌شد، جلوگیری کرد.

زبان اقوام همواره در تحولات بین نسل‌ها آسیب دیده است و مانند دیگر پدیده‌های زنده در حال تغییر و تحوّل است. این تحوّل در طول دوره‌های تاریخی صورت می‌پذیرد؛ کلمه‌ها و لغت‌های دوران قدیم کم‌کم فراموش یا کهنه می‌شوند و در برابر الفاظ جدیدی پدید می‌آیند. هیچ زبانی در طول تاریخ بر شکل و قالب خاص ماندگار نبوده است. تنها زبان عربی است که از یک سو از حصرهای تاریخی و جغرافیایی خاستگاه خود خارج شد و از سوی دیگر با نزول قرآن، معیارهایی به دست آورد.^۲ از

۱. یوسف: ۲.

۲. رمضان عبدالتواب: العربية الفصحى والقرآن الكريم، ص ۱۷.

منظر دیگر، نزول قرآن آن‌چنان ظرافت‌ها و قابلیت‌های زبان عربی را نمایان کرد که هیچ حادثه دیگری نمی‌توانست آنها را کشف و نمایان سازد. رویکرد پژوهشگران ادب عربی به پژوهش در اسلوب بیانی قرآن و حجم آثار تألیفی دربارهٔ ابعاد اعجاز قرآن، نشان از ظرفیت‌های ادبیات و زبان عربی دارد.

زبان عربی در اصول کلی زبان‌شناسی همانند فلسفه وضع، ماهیت معنا، نوع رابطه لفظ با معنا، فهم معنا و... مشترکاتی با دیگر زبان‌ها دارد. فلسفه پیدایش زبان ایجاد ارتباط علمی است و این ارتباط زمانی حاصل می‌شود که مخاطب معنا و مدلول را از متن دریافت کند. آیات قرآن جمله‌هایی با معنای کامل و در عین حال مرتبط با یکدیگرند. شناخت معنای کلمات و حروف (از عناصر اولیه و اصولی شکل و محتوای آیه‌ها) به شناخت مراد آنها منتهی می‌شود و همواره مدلول الفاظ تأثیری اساسی بر فهم محتوای آیه‌ها داشته است. نقش مهم‌ترین کلمات در مدلول آیه‌ها سبب شده است از آغاز نزول قرآن، بیشترین پرسش‌ها دربارهٔ معنای کلمات آیه‌ها مطرح شود و در پیشینه قرآن‌پژوهی، تلاش‌های علمی فراوانی در واژه‌شناسی مفردات قرآن انجام پذیرد؛ تألیف آثار بسیار با عنوان‌های «غرائب القرآن»، «معانی القرآن»، «مفردات الفاظ» و... نشانه این تلاش‌هاست. دانش واژه‌شناسی واژه‌های قرآن گسترده است؛ در واژه‌شناسی، شناخت واژه‌های مشترک لفظی، مشترک معنوی، واژه‌های اصیل عربی، واژه‌های اقوام و قبیله‌های عرب، واژه‌های ورودی و... برخی از شاخه‌های این دانش است.

مترادفات، یکی از مسئله‌های مهم و تأثیرگذار در شناخت مفردات است؛ وجود یا نبود مترادف در زبان عرب از یک سو و در قرآن از سوی دیگر از مراحل شناخت مفردات قرآن به شمار می‌رود. در معنای لغت «ترادف» گفته‌اند: ترادف آمدن چیزی به دنبال چیز دیگر است^۱ و در تعریف آن گویند: ترادف ذکر یک چیز با نام‌های مختلف

۱. خلیل بن احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۱، ص ۶۷۰. ابومنصور محمد بن احمد ازهری؛ التهذیب؛ ج ۴، ص ۹۶.

است؛ همانند: السیف، الصارم و المهند. ^۱ در اشکال بر این تعریف اصطلاحی گفته‌اند: السیف نام اصلی شمشیر است و الصارم و المهند صفت‌اند، نه نام؛ بنابراین مترادف در آنها وجود ندارد.

در تعریف دیگر آمده است: الفاظ مترادف دو یا چند واژه هم‌معنا هستند که مفهوم واحدی را افاده کنند؛ به‌گونه‌ای که بتوان یکی را جانشین دیگری کرد. این تعریف نیز اشکال دارد. ترادف باید بین دو واژه در دوره‌ای خاص و زمان معین برقرار باشد و اگر دو واژه در دو دوره مختلف هم‌معنا باشند، ترادف در میان آنها نیست؛ درکل اگر دو یا چند لفظ مفرد به اعتبار واحد در محیط پیدایش واحدی بر یک معنا دلالتی حقیقی، اصیل و مستقل داشته باشند، مترادف‌اند بر اساس این تعریف، کلمات مرکب با توجه به معنای مشترک الفاظ متعدد - معنای خاص یا معانی مجازی - در این تعریف وارد نیستند.

نظریه‌های متفاوت درباره «ترادف» (۱) مباحث دامنه‌دار در زبان عرب) بیان شده است؛ برخی همانند سیبویه (۱۴۸-۸۰۰ ق)، ^۲ قطرب (درگذشته ۲۰۶ ق)، ^۳ اصمعی (۱۲۲-۲۱۶ ق)، ^۴ میرد (۲۱۰-۲۸۶ ق)، ^۵ عی بن عیسی الزمّانی (درگذشته ۳۸۴ ق)، ^۶ ابن سیده (۳۹۸-۴۵۸ ق) ^۷ و فیروزآبادی (۷۲۹-۱۰۶ ق) ^۸ وجود الفاظ مترادف در زبان عرب را پذیرفته‌اند؛ برخی همانند ابن اعرابی (۱۵۰-۲۳۱ ق)، ^۹ ثعلب (۲۰۰-

۱. ابو عوده خلیل؛ التطور الدلّالی بین اخذ الشعر الجاهلی و لغة القرآن الکریم؛ ص ۵۸.

۲. جلال‌الدین سیوطی؛ بغیة الوعاة؛ ج ۲، ص ۲۳۰. خیرالدین زرکلی؛ الاعلام؛ ج ۵، ص ۲۵۳. سیبویه؛ الکتاب ابو هلال عسکری؛ معجم المفردات اللغویه؛ ص ۴۸.

۳. جلال‌الدین سیوطی؛ بغیة الوعاة؛ ج ۱، ص ۳۴۳. خیرالدین زرکلی؛ الاعلام؛ ج ۷، ص ۳۱۵.

۴. حاکم مالک الزیادی؛ الترادف فی اللغة.

۵. جلال‌الدین سیوطی؛ بغیة الوعاة؛ ج ۱، ص ۳۶۹. خیرالدین زرکلی؛ الاعلام؛ ج ۴، ص ۳۰۴.

۶. ابو هلال عسکری؛ معجم الفروق اللغویه؛ ص ۵۴.

۷. همان.

۸. جلال‌الدین سیوطی؛ بغیة الوعاة؛ ج ۱، ص ۳۷۳. خیرالدین زرکلی؛ الاعلام؛ ج ۸، ص ۱۹.

۹. همان (به نقل از ابن انباری؛ الاضداد؛ ج ۱، ص ۷).

۲۹۱ ق)،^۱ ابن‌انباری (در گذشته ۳۲۸ ق)،^۲ ابن‌درستویه (در گذشته ۳۴۷ ق)،^۳ احمد بن فارس (در گذشته ۳۹۵ ق)،^۴ ابوهلال عسگری (در گذشته ۳۹۵ ق)^۵ و... مترادف را انکار کرده‌اند و معتقدند برخی از الفاظ در آغاز دارای معنایی واحد به نظر می‌رسد؛ اما هر یک واجد ویژگی معنایی‌ای هستند که لفظ مشابه آن ویژگی را دارا نیست.

بررسی مترادف غیر از تحقیق علمی درباره شناخت زبان عرب و واژگان هم‌معنا، زمینه پژوهش‌های نوینی را در عرصه متون پیشین شعر و ادبیات عرب فراهم می‌آورد. پژوهش معناشناسانه الفاظ هم‌معنا در قرآن نیز بستری فراهم می‌سازد تا نگرش قرآن به موضوعات طرح‌شده با کلمات مترادف در مسئله‌های کلامی، فقهی، تاریخی و... روشن شود.

اگر با این پژوهش مترادف ثابت شود و بپذیریم واژگان مشابه تنها یک معنا دارند، می‌توان گفت هدف بهره‌گیری قرآن از الفاظ متفاوت در یک معنا، تنوع بیانی بوده است تا مخاطب با نشاط تلاوت کلام بازخوانی آن ملالت‌آور نباشد و چنانچه در نتیجه پژوهش - معنای هر لغت، مترادف ثابت نشود، هدف مترادفات در قرآن ابلاغ این مطلب به مخاطبان است که موضوع مدلول کلمات متنوع در آیه‌ها با مشخصه‌ها، جزئیات و قیده‌های خاص مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال معرفت از موضوعات اصولی در منظومه معرفت دینی است. در قرآن این موضوع با واژه‌های مشابه، همانند احساس، ادراک، اراده، بصیرت، تدبیر، حسب، ذکر، معور، عقل، علم، فقه، فکر، فهم و مشتقات آنها در آیه‌های پرشماری آمده است. اگر با تحقیق روشن

۱. جلال‌الدین سیوطی؛ المزهَر فی علوم اللغة و انواعها؛ ص ۳۱۷.

۲. همان.

۳. حاکم مالک الزیادی؛ الترادف فی اللغة؛ ص ۲۰۰ (به نقل از ابن‌جنی؛ الخصائص؛ ج ۱، ص ۴۰-۴۷).

۴. جلال‌الدین سیوطی؛ المزهَر فی علوم اللغة و انواعها؛ ص ۳۱۷. محمد بن عبدالرحمن بن صالح الشایع؛ الفروق اللغویه و اثرها فی تفسیر القرآن الکَریم؛ ص ۸۹ (به نقل از ابن‌فارس؛ الصحاحی فی فقه اللغة؛ ص ۹۶-۹۷).

۵. حاکم مالک الزیادی؛ الترادف فی اللغة؛ ص ۱-۲. ابوهلال عسگری؛ معجم الفروق اللغویه؛ ص ۱۰-۱۱.

شود این الفاظ یک معنا دارند، معرفت در نگرش قرآن دارای ماهیتی تک‌معنا و بدون بُعد خاصی است که تنها با واژگان متنوع طرح شده است؛ اما اگر هر یک از این کلمه‌ها معنای خاص و متفاوت با معنای کلمه دیگر داشته باشد و هر یک دربردارنده نوعی دریافت و آگاهی باشد، روشن می‌شود متن وحی به معرفت، علم و عقل‌نگاهی چندبعدی و متنوع داشته است.

می‌توان تحلیل واژگان مشابه و معناشناسی الفاظ مترادف در قرآن آیه‌ها را بر اساس مدلول خاص واژگان مشابه تفسیر کرد. این تفسیر با کلی‌نگری به آیات تفاوت اساسی دارد. در تفسیر واژه‌ها، دقت‌های وحیانی در قالب الفاظ مختلف برجسته می‌شود. دانش مفردات قرآن یک از دانش‌های بنیادین تفسیر است و به‌درستی می‌توان آن را سنگ بنای قرآن‌پژوهی یا رب‌یک تفسیر دانست. تحلیل واژه‌شناسی الفاظ مترادف قرآن از پژوهش‌های نوینی است که با رجوع به اهمیت نظری، پیشینه غنی و پرباری ندارد؛ زیرا تاکنون پژوهش در این عرصه به‌شماره‌ای که اشاره کردیم - بر محور معناپژوهی مفردات کلمات بوده و به وحدت یا تفاوت معنای واژه‌های مترادف توجه نشده است.

زمینه پژوهش

مرکز فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با سابقه بیش از بیست سال پژوهش متمرکز بر محور قرآن، تاکنون آثار پرشماری را منتشر کرده است؛ از جمله:

۱. تفسیر راهنما

رسالت نبوی بر اساس نص «كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۱ جهان‌شمول است و فراگیری اهداف نزول قرآن نیز همه انسان‌ها را پوشش می‌دهد. دستیابی به اهداف رسالت و نزول کتاب مستلزم رویکرد به این منشور هدایت است و این

کار هم به هم‌زبانی متن کتاب با مخاطب بستگی دارد؛ هم‌زبانی با آیندگان با توجه به زبان آیندگان و پاسخگویی به نیازها و پرسش‌های آنان تحقق می‌یابد.

تغییرات فرهنگی همواره در جریان است و شرایط نوینی در اندیشه و عمل ایجاد کرده است. با گویاکردن متون اصلی دین از یک سو و برآوردن نیازهای فکری و فرهنگی مخاطبان از دیگر سو می‌توان انتظارات جامعه معاصر از دین را برآورد. نویسندگان تفسیر راهنما کوشیده‌اند این اثر را با نگاهی در خور مسائل روز تألیف کنند. این تفسیر با نگرشی متفاوت از روش‌های متداول تفسیری به شناخت مفاد و مدلول آیه‌ها پرداخته است. این کار با مبنا قرار دادن پیوستگی آیه‌ها، کامل و منطقی بودن آنها، جامع بودن در توصیف و تحلیل و بر اساس ضوابط و قواعد پذیرفته‌شده انجام گرفته است. این تفسیر مدلول آیه‌ها را در طول زمان جاری کرده و معنای تاریخی آنها را گسترش داده است؛ از این رو، موضوع‌ها و مسئله‌های روزآمد مستند به متن آیه‌ها بیان شده و این شیوه امتیاز جاودانگی و عمری بودن قرآن را شفاف و گویا کرده است. این تفسیر کامل (از آغاز تا پایان قرآن) در دست جلد منتشر شده است.

۲. دایرةالمعارف موضوعات و مفاهیم قرآن

گستره موضوع‌های طرح‌شده در قرآن (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ الْمُبِينَةِ) نشان توسعه موضوعی مفاد آیه‌هاست. پژوهش برای شناختی اصل و قلمرو موضوع‌های بیان‌شده در قرآن از نظر علمی اولویت دارد. نبودن مجموعه‌ای که بتواند گام نخست و جامعی در این عرصه بردارد، موجب شد طرح دایرةالمعارف موضوعات و مفاهیم قرآن با همه دشواری‌ها در مرکز فرهنگ و معارف قرآن در مسیر پژوهش قرار گیرد. تا کنون یازده جلد از این دایرةالمعارف منتشر شده است و جلد‌های دوازدهم تا چهاردهم آن در آستانه نشر قرار دارد.

۳. اصطلاح‌نامه معارف قرآن

رشد اطلاعات و مطالب قرآنی از یک سو و تنوع اصطلاح‌های متداول در عرصه تفسیر از سوی دیگر، بهره‌گیری از معارف را دشواری کرده است؛ از این رو مرکز فرهنگ و معارف قرآن برای سامان‌بخشیدن به پژوهش‌ها و اطلاعات قرآنی، پژوهش درباره طرز «اصطلاح‌نامه معارف قرآن» را آغاز کرد. این طرح گامی در جهت طبقه‌بندی اصطلاح‌ها و روابط معنایی آنها (شامل سرعنوان‌های موضوعی، تنظیم روابط منطقی و تبیین عمق و اخص معارف قرآن) است. اصطلاح‌نامه معارف قرآن با مشخصه‌های یادشده از اولین آثار در این حوزه به شمار می‌رود.

۴. فرهنگ موضوعی تفاسیر

کتاب‌های تفسیر از منابع مرجع قرآنی و دین پژوهی است. محتوای عالمانه و جامع‌نگری این منابع متأثر از شخصیت علمی دانشوران حوزه نگارش تفسیر قرآن است؛ در عین حال طبقه‌بندی‌نشدن موضوعی منابع به‌همچم دشواری‌هایی را برای پژوهشگران همراه داشته است. مرکز فرهنگ و معارف قرآن با هدف سرعت و آسان دستیابی به موضوع‌های طرح‌شده در منابع تفسیری، طبقه‌بندی این موضوع‌ها را طراحی و اجرا کرد.

فرهنگ موضوعی تفاسیر با موضوع‌نگاری بیست دوره از تفسیرهای کامل قرآن، منابع یادشده را بر اساس قواعد و ضوابط اطلاع‌رسانی طبقه‌بندی کرده است. این فرهنگ در مرحله اول در سه جلد (بیش از ۲۱۰۰ صفحه) منتشر شده است.

۵. فرهنگ قرآن

با هدف تدوین معجم موضوعی و کامل مستند به آیه‌های قرآن، تدوین کتاب

فرهنگ قرآن آغاز شد. گردآوری اطلاعات آیه‌ها بر محور موضوعات در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، قلمرو پژوهشی فرهنگ قرآن را ترسیم می‌کند. نبود کتاب مرجعی که بتواند پاسخگوی جستجوگران و محققان آیات قرآن در موضوع‌های مختلف باشد، از یک سو و از سوی دیگر موضوع‌های نوظهور در عرصه دین و مسائل اجتماعی تدوین اثری جامع را اقتضا می‌کرد. این اثر جامع (فرهنگ قرآن) در ۳۳ جلد منتشر شده است.

۶. تحلیل واژگان مشابه در قرآن

در قرآن کلماتی هم‌معنی یا با معنایی نزدیک به یکدیگر در موضوع‌ها و مسائل متنوع حوزه کلام وجود دارند؛ همانند اطاعت در دانش فقه و مسائل اخلاقی، اجتماعی و... این کلمات معنایی کلی را می‌رسانند؛ اما احتمال تفاوت در خصوصیات معنای هر یک از آنها نیز وجود دارد؛ برای نمونه موضوع برگزیدگی با کلمات «اجتباء»، «اختیار» و «اصطفاء» در آیه‌ها آمده است. این کلمات در اصل معنای برگزیدگی مشترک هستند؛ اما هر یک بر نوعی از برگزیدگی دلالت دارد که دستیابی به خصوصیات معنایی آن نیازمند پژوهش است و مستندسازی معنای خاص هر کلمه به منابع، طرح پژوهشی مستقل می‌طلبد. این طرح را «تحلیل واژگان مشابه در قرآن» نام نهادیم.

طرح ذکرشده بعد از شناخت و بررسی الفاظ در زبان عربی، الفاظ مترادف در قرآن را شناسایی و طبقه‌بندی کرده، با تحقیق در معنای لغوی آنها تفاوت معنای هر یک را با تناسب معنای خاص و موضوع طرح‌شده در آیه بررسی می‌کند. خلا پژوهش در زمینه یادشده از دشواری‌های جریان علمی طرح به شمار می‌رود. واژگان به‌ظاهر هم‌معنا تنها در اصل معنا به یکدیگر شباهت دارند و در خصوصیت‌ها میان آنها تفاوت وجود دارد. با توجه به شباهت در اصل معنا، به جهت دوری از هرگونه پیش‌داوری

درباره وجود و نبود ترادف، پژوهش «تحلیل واژگان مشابه در قرآن» نامیدیم. تحلیل واژگان مشابه در قرآن پژوهشی در حوزه مترادفات قرآن با هدف دستیابی به خصوصیات معنایی واژگان مشابه در این کتاب آسمانی و پیامدهای مدلول خاص کلمات مشابه در موضوعات است. این پژوهش مراحل ذیل را طی کرده است:

۱. واژه‌شناسی؛

۲. پژوهش تفسیری؛

۳. تحلیل واژگان مشابه.

۱. واژه‌شناسی

واژه‌شناسی کلمات با پژوهش در منابع لغت انجام شده است. معنا یا معانی واژه‌ها بر اساس نظر اهل لغت ثبت و معنای حقیقی از مجازی جدا می‌شود. شناسایی معنای حقیقی و جداسازی آن از کاربردها با استفاده از ویژگی‌ها و تفاوت‌های معنایی در مرحله معناشناسی واژه‌ها انجام می‌شود. اختلاف دیدگاه‌های لغت‌شناسان در اثبات یا نفی معنای خاص و ویژگی‌های معنایی در صورتی که با استدلال همراه باشد، توصیف می‌شود. تحولات معنایی واژه‌ها در صورت بازگذاشتن در معنای لغت ثبت می‌شود. آرای اهل لغت درباره شباهت معنایی کلمات - چنانچه با استدلال همراه باشد - به صورت کامل گزارش می‌شود و دلایل خبرگان اهل لغت برای اثبات یا نفی قید معنا (غیر از شواهد شعری) گزارش می‌شوند.

بر اساس آیین‌نامه‌های تدوین شده برای دستیابی به معنای واژه‌ها، نخست به منابع لغوی کهن نزدیک به زبان اصلی عربی مراجعه می‌کنیم. این آثار در مقایسه با منابع جدید اثر گذارترند و در صورتی که مطالب منابع یادشده برای یافتن واژه‌ای کافی نباشند یا اصولاً اطلاعاتی ارائه ندهند، منابع لغت مرجع معناشناسی واژگان می‌شوند. کتاب‌های زیر بعضی از منابع مهم لغت در پژوهش معناشناسی واژگان هستند:

العین نگارش فراهمیدی، خلیل بن احمد (در گذشته ۱۷۵ ق)؛
 الاشتقاق نگارش ابن درید، محمد بن الحسن (در گذشته ۲۲۳ ق)؛
 جمهرة اللغة نگارش ابن درید، محمد بن الحسن (در گذشته ۳۲۱ ق)؛
 معجم مقانیس اللغة نگارش ابن فارس، ابوالحسن احمد (در گذشته ۳۹۵ ق)؛
 المصباح المنیر نگارش الفیومی، احمد المقرئ (در گذشته ۷۷۰ ق).
 از متونی که مرجع معنانشناسی مفردات قرآنی هستند نیز استفاده شده است؛ همانند:
 معانی القرآن نگارش فراء، یحیی بن زیاد، (در گذشته ۲۰۷ ق)؛
 غریب القرآن نگارش سجستانی، محمد بن عزیر، (در گذشته ۳۳۰ ق)؛
 معانی القرآن نگارش مجازی، سعید بن مسعود، (در گذشته ۲۱۵ ق)؛
 معانی القرآن نگارش نحاس، احمد بن محمد، (در گذشته ۳۳۸ ق)؛
 المفردات فی غریب القرآن نگارش راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (در گذشته ۴۲۵ ق).

۲. پژوهش تفسیری

بعد از معنانشناسی واژه‌های مشابه، درباره آیه‌های شامل این نوع کلمات پژوهش تفسیری می‌کنیم. این آیه‌ها با توجه به نظر مفسران و با تمرکز بر معنانشناسی واژه‌ها تفسیر می‌شوند. پژوهش تفسیری تمرکز بر اثرگذاری معنای واژه‌ها بر معنای دیگر کلمات، مدلول آیه یا تفسیر مجموعه آیه است. هرگونه اثرگذاری معنای واژه که زمینه تبیین موضوع، شرح مسئله، محدودیت اصطلاح یا حکمی شود، زمینه تحلیل در قلمرو پژوهش تفسیری قرار می‌گیرد. در مواردی که تفسیر متداول و دیدگاه‌های رایج تفسیری با معنای خاصی از الفاظ مشابه تفاوت پیدا کند، به تفسیر آیه بر مبنای معنای نوین واژه مشابه در مرحله تحلیل واژگان اشاره می‌کنیم.

مطالبی که مفسران متناسب با مفاد آیات اما غیر مرتبط با مدلول کلمات مشابه آیه

طرح کرده‌اند و نیز مباحث خارج از حوزه تفسیری واژه‌های مشابه از قلمرو این تحقیق خارج‌اند؛ همانند مباحث تفسیری موضوع ارث، سهام ارث و... در آیه شریفه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»^۱ که به مناسبت تفسیر واژه‌شناسی «ولد»، درباره اولاد در آیه تحقیق واژگان مشابه صورت می‌گیرد.

دیدگاه‌هایی که در تفسیر آیه‌های واژه‌های هم‌معنا بر اساس نظریه وجود یا نبود مترادف در قرآن طرح شده باشد، شامل پژوهش می‌شود. معناشناسی واژگان مشابه متون تفسیری، بدون توجه به گرایش فکری مفسران انجام می‌شود. آیه‌های شامل مشتقات واژگان به بستر تفاوت‌های معنایی را روشن می‌کنند، در قلمرو تحقیق قرار گیرند و تفاوت‌های معنایی آنها نیز ثبت می‌شود؛ البته واژه‌هایی که با هیئت خاص در موضوع واحد و چند آیه آمده‌اند، تنها در آیه جامع بررسی می‌شوند. در نهایت تحقیق تفسیری شامل نکات ذیل است:

(الف) تفسیر آیه‌ها بر محور معنای الفاظ مشابه انجام می‌شود.

(ب) به تفسیرهای متداول مفسران ارجحیت داده می‌شود.

(ج) مفاد آیه‌ها همانند کلیت آنها در محدوده تحلیل واژگان مشابه بررسی می‌شود.

(د) دیدگاه‌های کلامی، فقهی و... که در پرتو معنای کلمات مشابه شکل یافته‌اند،

گزارش می‌شود.

بعضی از منابع تفسیری گرایش‌های مختلف در این تحقیق مرجع پژوهش قرار

گرفته‌اند؛ همانند:

جامع‌البیان نگارش طبری، محمدبن جریر (۲۴۴-۳۱۰ ق)؛

النبیان فی تفسیر القرآن نگارش الطوسی، محمدبن الحسن (۳۸۵-۴۶۰ ق)؛

تفسیر القرآن العظیم نگارش ابن‌کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۷۷۴-۷۹۰ ق)؛

مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن نگارش طبرسی، فضل‌بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ ق)؛
 الکشاف عن حقائق التنزیل نگارش زمخشری، محمد بن عمر (۴۶۷-۵۳۸ ق)؛
 المیزان فی تفسیر القرآن نگارش طباطبایی، محمد حسین (۱۲۸۱-۱۴۰۲ ق).

۳. تحلیل واژگان مشابه در قرآن

اسلوب بیانی از ابعاد جذاب اعجاز قرآن کریم است. وحی برای ایجاد ارتباط بین خدا و انسان از الفاظی استفاده کرد که اقوام عرب در محاوره‌های عرفی برای ایجاد ارتباطات بشری از آنها بهره می‌گرفتند (إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ).^۱ گاه به نزول آیها به زبان عربی اشاره شده است: (الرَّيُّكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ).^۲ آیها الهامی کتاب روشنگر است. آن را به زبان عربی فرو فرستادیم؛ باشد که آن را درک کنید. در آیه‌ای دیگر قرارداد کتاب مبین در قالب قرآن عربی بیان شده است (وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ).^۳ سوگند به این کتاب روشن و روشن‌کننده که آن را قرآنی عربی قرار دادیم؛ باشد که آن را درک کنید. در هر دو مورد غرض درک معنای آیهاست (لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)؛ با اینکه کلمه «عربی» خود به معنای فصیح و روشن است.^۴ در آیه‌ای دیگر کلمه «مبین» نیز اضافه شده است: (وَإِنَّهُ لَكُنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * لِيُذَكِّرَ أَتْلُكُونَ مِنْ الْمُنْذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ).^۵ همانا این قرآن فرو فرستاده پروردگار به بیان است که روح امین، جبرئیل، آن را فرو آورده است؛ به زبان عربی روشن. حکمت، ادراک قرآن و

۱. زخرف: ۳.

۲. یوسف: ۱-۲.

۳. زخرف: ۲-۳.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۲، ص ۱۱۶۴. ابن درید؛ جمهرة اللغة؛ ج ۲، ص ۵۱۷. ابن منظور؛ لسان العرب؛

ج ۹، ص ۱۱۳.

۵. شعراء: ۱۹۲-۱۹۵.

لازمه ادراک دوری از ابهام و تاریکی در بیان است. انگیزه کتاب هدایت به نور است (الرَّحْمَنُ أَنزَلَنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ: کتابی که به سوی تو فرستادیم تا مردم را به خواست خدا از تاریکی‌ها به روشنایی‌ها بیرون آری). دستیابی به این هدف بیان روشن می‌طلبد و آن هم مستلزم بیان کلمات با خصوصیات معنایی بدون ابهام برای مخاطب است.

با اینکه کاربرد واژگان هم معنا یکی از جلوه‌های زیبایی بیان قرآن است، در مواردی زمینه ابهام را فراهم آورده است. این مسئله تا کنون بیشتر با نگاه ادبی بررسی شده و از جهت استوایی تحقیقی شایسته صورت نگرفته است. قرآن آیہ‌های خود را با صفت «احکام» توصیف می‌کند: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ».^۱ این بیان از اتقان آیات و تمامی مراتب حکایت دارد. مبنای اتقان آیہ‌ها اتقان کلمات در ماده، هیئت و معناست. بیان الفاظ متفاوت و اراده معنای واحد با توجه به کثرت لفظ و کمی معنا از احکام آیہ‌ها می‌باشد؛ زیرا سبب می‌شود مخاطب به مراد متکلم دست نیابد؛ البته چنانچه این گونه الفاظ معرود و محدود باشند یا خصوصیات معنایی اثرگذاری گسترده و عمیق نداشته باشند چه بسا توان حکمت را بیان اجمالی یا ذکر نکردن خصوصیات معنایی دانست؛ اما با توجه به کثرت الفاظ مشابه از یک سو و جریان آنها در عموم موضوعات و مسئله‌های معرفتی، که کسی فقهی و... از سوی دیگر اتقان آیہ‌ها اقتضاء می‌کند هر کلمه با توجه به همه ویژگی‌های معنایی آن به کار رود. اتقان کلام اقتضا می‌کند مفهومی که حالات‌های متفاوتی دارد، با لفظ خاص دلالت‌کننده بر آن حالت‌ها بیان شود؛ به دیگر سخن کلام متقن کلامی است که بر معنا یا همه قیدها، جزئیات و مشخصه‌ها دلالت کند.

حکیم مطلق با استفاده از الفاظ متنوع اهدافی فراتر از زیبانگاری در ساختار کلام و

۱. ابراهیم: ۱.

۲. هود: ۱.

تنوع بیانی و درواقع حکمتی آموزشی و هدایتی را دنبال می‌کند دستیابی به این اهداف نیازمند پژوهش درخوری است؛ زیرا تدبیر همگانی در آیات یکی از اهداف نزول قرآن به شمار می‌رود (کِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ).^۱ این هدف چنان اهمیتی دارد که ترک آن باعث توبیخ است (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا).^۲ توبیخ آیه نشان می‌دهد تفسیر به تفسیر نقلی محدود نیست و این نظریه باطل است که می‌گوید حدیث همان‌گونه که حکایت شده است، باید روایت شود؛ اگرچه اختلال معنایی داشته باشد.^۳

تدبیر در قرآن فراتر از تفسیر ظاهری آحاد آیه‌هاست؛ زیرا نتیجه آن دستیابی به هماهنگی محتوای آیه‌هاست. نبودن تنافی و اختلاف در قرآن در نتیجه تفسیری مبتنی بر دقت در معنای مفردات آیه‌ها - به ویژه کلمات مشابه - حاصل می‌شود. در پیشینه تفسیر قرآن، برخی قبل از معناپژوهی مفردات، مدلول آیه‌ها را مفاد واحد و پیوسته تلقی کرده و بر اساس آن مراد اجمالی را بیان کرده‌اند. در برخی موارد پیش فرض‌های به دست آمده از مدلول بسیط آیه با چشم‌پوشی از معناشناسی کلمات عرضه شده است و اگر کاوش‌های پیشینی در معناشناسی برخی لغت‌های آیه‌ها انجام گرفته باشد، پژوهشی استطرادی و جانبی بوده است؛^۴ البته در مواردی به توجه به قرارگرفتن الفاظ خاصی در آیه‌ها برخی کلمه‌ها قبل از تفسیر کل آیه معناشناسی شده‌اند. این رویکرد به تفسیر در حالی است که معنای مفردات الفاظ - قبل از مشخص شدن ویژگی‌های معنایی کلمات یا بدون در نظر گرفتن مدلول الفاظ مفاد جمله‌ها را تشکیل می‌دهند. ارائه معنا برای جمله‌ها نظری است که بر اساس پیش‌فهم‌ها از کل آیه تدوین شده است.

۱. ص: ۲۹.

۲. محمد: ۲۴.

۳. محمدبن حسن طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، ص ۳۰۳.

۴. برخی کتاب‌های تفسیری همانند تفسیر تبیان و مجمع‌البیان بخش خاصی را با نام «اللغة» بعد از آیه‌ها در بر دارند و برخی لغت‌ها را در آن معنا کرده‌اند؛ اما این کار در تمامی لغت‌های آیه‌ها انجام نشده است.

تحلیل معناشناسی واژه‌های مشابه در قرآن پژوهش تفسیری بر اساس مدلول خصوص مترادفات است؛ البته با توجه به پر شمار بودن آنها در قرآن، تفسیر آیه‌های بسیاری از این تحلیل اثر می‌پذیرد؛ برای نمونه در مباحث اجتماعی ده‌ها آیه با موضوع امت، جامعه و گروه‌های اجتماعی در قرآن وجود دارد. این آیه‌ها مسئله‌های جامعه را با کاربرد واژه‌های: «امت، ثلّة، ملّة، زُمره، شُعَب، طائفة، فوج، قبیله، قوم و...» یادآور می‌شوند. بنابر ترادف، واژگان یادشده دارای یک معنا هستند و بر گروه انسان‌ها دلالت دارند و انگیزه اجتماع، نوع جامعه، فلسفه، اهداف، ایستایی یا پویایی جامعه در نظر نیست؛ اما بنابر نظریه وجودنداشتن ترادف، تنوع کلمات در بیان مسئله‌های اجتماعی همان گونه معانی خاصی برای هر یک از واژگان است که می‌تواند در انگیزه، اهداف، نهایت و تنوع و تفاوت‌های آن جامعه اثرگذار باشد و متناسب با مسئله مطرح شده که در آیه‌ها است.

اهمیت پژوهش

تحلیل واژگان مشابه در قرآن دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا این کتاب مرجع معرفت دینی و احکام آن است و ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم و آموزه‌های آیه‌ها دارد. باورها، بایدها و نبایدها در مسئله‌های شرعی نیز با انتساب به متن و شیوه ترویجیت پیدا می‌کند. اعتبار و اهمیت استناد معارف دین و احکام شرعی به قرآن سبب شده است گرایش‌ها و مذاهب مختلف فکری دیدگاه‌های خود را به آن نسبت دهند و بسیاری از آن استنادات با استفاده از معنای کلمات انجام گرفته است. حال به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

برخی فرقه‌های کلامی نظریه امکان رؤیت خدا را پذیرفته و با استناد به معنای کلمه‌های «رؤیة» و «نظر» در آیه شریفه: «... قَالَ رَبِّ ارْنِیْ اَنْظُرْ اِلَیْکَ...»^۱ گفته‌اند: «و هو دلیل علی ان رؤیته تعالی جائزۃ فی الجملة لان طلب المستحیل من الانبیاء

محال...»^۱ ایشان با چشم‌پوشی از وحدت یا تفاوت معنای واژگان «رؤية» و «نظر» نظریه خود را پیگیری کرده‌اند.

قال المتكلمون: دلت الآية على جواز رؤيته تعالى من وجهين؛ الاول، إن سؤال موسى ﷺ الرؤية يدل على امكانها؛ لان العاقل فضلا عن النبي ﷺ لا يطلب المحال ولا مجال للقول بجهل موسى ﷺ بالاستحالة؛ فان الجاهل بما لا يجوز على الله لا يصلح للنبوة؛ اذ الغرض من النبوة هداية الخلق الى العقائد الحقّة والاعمال الصالحة...؛ الثاني، انه تعالى علق الرؤية على استقرار الجبل وهو امر ممكن فى نفسه والمعلق على الممكن ممكن^۲ «وَجَاءَ رَيْكُكَ وَالْمَلَكُ صَفًا صَفًا»^۳ قال ابن كثير: وجاء الرب تبارك وتعالى فصل القضاء كما يشاء والملائكة بين يديه صفوفًا صفوفًا^۴.

ترسیم نشستن پروردگار بر تخت، آمدن به زمین در قیامت و سخن گفتن حکایت شده است.^۵ در علم فقه نیز تیهان و تسک به معنای کلمات، فتواهای خود را به آیه‌ها مستند کرده‌اند؛ برای نمونه رجوب، صلات بر پیامبر ﷺ و کیفیت آن، به معنای کلمه «يُصَلُّونَ» در آیه «إِنَّ اللَّهَ وَرِئُكُكُهُ صَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...»^۶ استدلال می‌کنند.^۷ همچنین برای تعیین مصداق «آل محمد» به معنای واژه «اهل» در آیات: «اٰخِمْلْ فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اٰثْنَيْنِ وَاَهْلَكَ»^۸ و «إِنَّ اٰبِيَّيْ مِنْ اَهْلِيْ وَ اِنْ وَّعْدَكَ الْحَقُّ

۱. ناصرالدین بیضاوی؛ انوارالتنزیل و اسرارالتأویل؛ ج ۲، ص ۱۱۰.

۲. محمد جمال‌الدین قاسمی؛ محاسن التأویل؛ ج ۵، ص ۲۴۷.

۳. فجر: ۲۲.

۴. محمد جمال‌الدین قاسمی؛ محاسن التأویل؛ ج ۱۰، ص ۱۵۰. ابن کثیر؛ تفسیر القرآن‌المعظم؛ ج ۴، ص ۵۴۴.

۵. محمد بن جریر طبری؛ جامع‌البیان؛ ج ۱۵، ص ۲۳۳-۲۳۵.

۶. احزاب: ۵۶.

۷. ابن‌العربی؛ احکام‌القرآن؛ ص ۸۴. شافعی؛ کتاب‌الام؛ ج ۱، ص ۲۲۸. المقدس‌الاردیبیلی؛ زبدةالبیان؛ ص ۸۵.

۸. فضل‌بن حسن طبرسی؛ مجمع‌البیان؛ ج ۸، ص ۵۷۸. محمد بن حسن طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۸، ص ۳۵۹.

۸. هود: ۴۰.

وَأَنْتَ... * إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ^۱ استناد کرده‌اند.^۲

استناد آرا به قرآن کریم به مذهب یا گرایش و فکر خاصی محدود نیست. همه مذاهب تا آنجا که توانسته‌اند، به مفردات آیه‌ها استناد کرده‌اند؛ البته در این تلاش به توفیق‌هایی دست یافته‌اند. آنچه به این روش یاری رسانده است، معانی کلی قابل استفاده از الفاظ است. هم‌معنایی برخی الفاظ نیز عامل دیگری است که زمینه را برای استفاده فرقه‌ها از قرآن فراهم آورده است. شناخت معنای دقیق مفردات قرآن - به‌ویژه در قلمرو متعارفات - استناد مطالب و احکام شرعی به کتاب را تثبیت می‌کند.

پیشینه پژوهش

تا کنون آثار ارزشمندی در زمینه مرادف نشر یافته است؛ از جمله:

اسماء الخیل نگارش ابو عبیده معمر بن المثنی (در گذشته ۲۱۰ ق)؛^۳

أسماء الدواهی نگارش حمزة بن الحسن البغدادی (در گذشته ۳۶۰ ق)؛^۴

الالفاظ المختلفة فی المعانی المؤتلفة نگارش محمد بن عبدالله الطائی الجبائی (در گذشته

۶۷۲ ق).^۵

۱. همان: ۳۵-۴۶.

۲. ابن العربی؛ احکام القرآن؛ ص ۸۵-۸۶.

مفسران با توجه به آیه «وَالشَّارِقُ وَالشَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» (مائده: ۳۸) با محوریت «فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» و معنا کردن کلمه «ید» دیدگاه‌های خاص خود درباره چگونگی بریدن دست دزد را به قرآن مستند کرده‌اند: و الید اسم لتمام العضو و لذلك ذهب الخوارج الی ان المقطع هو المنکب (ناصرالدین بیضاوی؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل؛ ج ۱، ص ۴۲۸. محمود بن عمر زمخشری؛ الکشاف؛ ج ۱، ص ۶۳۲) و برای مقدار مهریه و جواز مهریه زیاد به معنای کلمه «قنطار» در آیه ۲۰ سوره نساء استدلال کرده‌اند (محمد بن احمد قرطبی؛ الجامع لاحکام القرآن؛ ج ۵، ص ۹۹. محمود بن عمر زمخشری؛ الکشاف؛ ج ۱، ص ۴۹. فخرالدین رازی؛ التفسیر الکبیر؛ ج ۹-۱۰، ص ۱۲).

۳. حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۱، ص ۸۷.

۴. جلال‌الدین السیوطی؛ المزهر؛ ج ۱، ص ۳۲۵. ابومنصور الثعالبی؛ فقه اللغة؛ ص ۳۰۹.

۵. محمد نورالدین المنجد؛ الترادف فی القرآن الکریم؛ ص ۲۳.

علاوه بر آثار یادشده بخش‌هایی از برخی معجم‌های لغوی به بیان پاره‌ای مترادفات اختصاص یافته است؛ از جمله بخشی از کتاب الغریب المصنف نگارش ابو عبید قاسم بن سلام (درگذشته ۲۲۴ ق) با عنوان «الأسماء المختلفة للشيء الواحد»^۱ و باب سوم کتاب المرصع فی الآباء والأمهات... نگارش ابن الاثیر با عنوان «الأسماء المترادفة على مسمى واحد»^۲.

دانشمندان قرن‌های نخستین اسلامی درباره شناخت پدیده ترادف در اسم‌هایی با یک مسمی کوشش‌هایی کرده‌اند؛ با وجود این نباید کوشش دانشمندان معاصر را نادیده گرفت؛ رجمله:

الترادف فی اللغة: نگارش حاکم مالک الزیادی؛^۳

الترادف نگارش علی الحارم؛^۴

الترادف نگارش طه الراوی؛^۵

الترادف نگارش شفیق بری؛^۶

پیدایش اصطلاح ترادف

برخی پیدایش این اصطلاح را به استناد عبارتی که سیوطی در المزهَر از قول تاج سبکی آورده است به تعلب نسبت می‌دهند.^۷ ترجمه این چنین است:

۱. رک: حاکم مالک الزیادی؛ الترادف فی اللغة؛ ص ۳۹. (به نقل از محمد نور الدین الشجر؛ الترادف فی القرآن الکریم؛ ص ۲۷).

۲. رک: ابن الاثیر؛ المرصع؛ ص ۳۵۲. (به نقل از همان).

۳. محمد نور الدین المنجد؛ الترادف فی القرآن الکریم؛ ص ۲۸.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. نص عربی ترجمه فوق چنین است: ذهب بعض الناس الى انكار الترادف فی اللغة العربية و زعم أن كل ما یظن من المترادفات، فهو من المتباينات التي تتباين بالصفات كما فی الانسان والبشر... وقد اختار هذا المذهب أبو الحسن أحمد بن فارس فی كتابه الذي ألفه فی فقه اللغة العربية و سنن كلامها و نقله عن شیخه أبي العباس تعلب.

برخی به انکار مترادف در زبان عربی روی آورده‌اند و معتقدند هرچه در تصور از مترادفات به نظر می‌آید در حقیقت الفاظی است که معانی آنها (با بیان اوصاف مختلف) با هم متباین است؛ همانند تباینی که در واژه‌های «انسان» و «بشر» وجود دارد. این نظر احمد بن فارس در کتاب *فقه اللغة العربیه* است. او این رأی را از استادش، ثعلب نقل کرده است.^۱

برخی دیگر عبارت ذکر شده را دلیل استفاده ثعلب از این اصطلاح (ترادف) نمی‌دانند. زیرا آنچه ابن فارس از قول استادش نقل کرده است، نقل به معناست و ثابت نمی‌کند اصطلاح «ترادف» را ثعلب وضع کرده باشد. آنان معتقدند نخستین کسی که از ترادف سخن به میان آورد، علی بن عیسی رُمّانی (در گذشته ۳۸۴ق) است. وی کتابش را *الالفاظ المترادفة والمتقاربة المعنی* نامید؛ با وجود این تصریح به صفت مترادف در نام کتاب ثابت نمی‌کند این اصطلاح در زمان رُمّانی تعریف شده باشد؛ زیرا وی عبارت «*المتقاربة المعنی*» را بر «*المترادفة*» عطف کرده است و گویا مترادف و متقارب را در صفت الفاظ یکی می‌داند؛ همچنین الفاظ ذکر شده در این کتاب نشان می‌دهد تعریف اصطلاح «ترادف» نزد لغویان پیشین تا عصر رُمّانی هنوز مشخص نشده بود.^۲

روزگاری چند بعد از رُمّانی، ابن مالک (در گذشته ۶۲۲ق) رساله *الالفاظ المختلفة فی المعانی المؤتلفة* را در مترادفات نگاشت. در نام این رساله اشاراتی به ترادف دیده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد تا زمان ابن مالک هم هنوز اصطلاح «ترادف» و حدود آن معین نشده بود و حتی تا روزگاران اخیر هم این اصلاح در تألیفات لغوی روشن نبوده است؛ برای نمونه زبیدی (در گذشته ۱۲۰۵ق) در *تاج العروس* به آن اشاره کرده است و می‌گوید: «*المترادف أن تكون أسماء لشيء واحد و هي مؤلفة و مشتقة من*

۱. جلال‌الدین السیوطی؛ *المزهر فی علوم اللغة أنوعها*؛ ج ۱، ص ۴۰۳. محمد نورالدین المنجد؛ *الترادف فی القرآن الکریم*؛ ص ۳۱.

۲. محمد نورالدین المنجد؛ *الترادف فی القرآن الکریم*؛ ص ۳۱-۳۲.

تراکب الأشياء: مترادف وجود چند اسم برای یک چیز است و این اصطلاحی نوظهور و بازگرفته از مترادف اشیا است.^۱ هر چند تعریف «ترادف» در قرن‌های نخستین اسلامی روشن نبوده است، می‌توان گفت این اصطلاح در قرن چهارم هجری در زبان لغویان به کار می‌رفته و موضوع آن مطرح بوده است. علاوه بر رُثماني، راغب اصفهانی (متولد ۴۰۲ ق) نیز در اول کتاب المفردات اصطلاح «ترادف» را به کار برده است.^۲

گستره پژوهش

در این طرح تمام واژگان مشابه قرآنی به صورت گروهی با ترتیب الفبایی بررسی می‌شوند. تا کنون چارصد گروه واژگان مشابه در قرآن شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. برخی از گروه‌ها شامل دو کلمه هم‌معنا هستند؛ همانند: «بطانه و ولیجه»؛ برخی شامل چندین کلمه هم‌معنا هستند؛ مانند: «امعاء، اراده، اصابه، تمتی، طلب، عزم، قصد، هم و...». بحث الفاظ مترادف آن‌چنان گسترده است که همه عرصه‌های علمی را در بر می‌گیرد؛ در عرصه کلام و مسئله صفات و کمالات «واحد، احد و فرد» مترادفات طرح‌شده در بحث توحیدند؛ در موضوع رسالت واژه‌های «بعثت، رسالت، نبوت و اختیار» مترادف‌اند؛ در علم فقه کلمه‌های «اثم، حوب، خطا، ذنب، سیئه، عصیان و لمم» و در مسائل اجتماعی کلمه‌های: «امت، جماعت، رهبر، معصوم، قشر، فرقه، قوم و قبیله» هم‌معنا هستند.

پژوهش مستند در معناشناسی کلمات هم‌معنا می‌تواند فضای جدیدی برای پژوهش‌های قرآنی ایجاد کند؛ البته طبیعی است دستاوردهای این پژوهش در آغاز با پرسش‌ها یا تأمل‌هایی روبرو شود؛ اما اگر با دقت و به دور از شتابزدگی به آن بنگریم، رهاوردهای نظری گسترده‌ای را در عرصه آشنایی بیشتر با معارف دینی نوید می‌دهد.

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۸، راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۶.

طرح یادشده در راستای اهداف پژوهشی مرکز فرهنگ و معارف قرآن - با وجود دشواری‌ها - در مسیر اقدام قرار گرفت. این تحقیق از نوع پژوهش‌های بنیادی و زیرساخت‌های قرآن‌پژوهی است و رهاوردهای متنوعش ظرفیت‌های خالی و برجامانده پژوهش‌های قرآن‌شناخت را تدارک می‌کند.

رهاوردهای تحلیل واژگان مشابه در قرآن

الف) دستیابی به اطلاعات بدیع در فرهنگ کلمات قرآن

ب) کشف معانی جدید اصطلاحات قرآنی؛

ج) بازشناسی موضوعات دینی؛

د) بسترسازی تفسیر واژه‌ها

دستیابی به اطلاعات بدیع در فرهنگ کلمات قرآن

معناشناسی تطبیقی این پژوهش زمینه‌های دستیابی به معنای خاص کلمات اصلی در حوزه‌های مختلف علوم دینی را فراهم می‌آورد و فرهنگ زبان دین را در آن حوزه‌ها ترسیم می‌کند. ترسیم ادبیات و زبان دین مستند به آیات قرآن بنیاد نظری ارزشمندی برای دین‌پژوهی و پژوهش‌های تفسیری به شمار می‌رود. معناشناسی مفردات مشابه قرآن با بررسی معنای الفاظ قبل از نزول و بعد از نزول در ادبیات دینی، زمینه ورود به تحول معانی واژگان قرآنی را فراهم می‌آورد. این تحول معنایی متناسب با ادبیات و فرهنگ دین انجام گرفته است. معنا یا معانی این الفاظ قبل از ورود به حوزه دین با معنای دینی آنها شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؛ شباهت‌ها در کلیت معنا بدون نظر به جزئیات و تفاوت‌ها در ویژگی‌ها و جزئیات معناست. این پژوهش اطلاعات بدیعی را در معنای واژگان قرآن فراهم می‌آورد. اطلاعات به‌دست‌آمده از یک سو تناسب معنای عرفی کلمات را با معنای وحیانی روشن می‌کند و از سوی

دیگر اعجاز بیانی را توسعه محتوایی می‌دهد. کلام حکیم در مقام تعلیم و هدایت صادر شده است (... وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ...)^۱ (كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رُسُلًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)^۲ و (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ...)^۳ به اقتضای حکمت، بایسته است کلام اهداف حکیمانه را برآورده کند و برآورده‌شدن اهداف با فهم آسان کلام و نبودن مانعی در مسیر فهم میسر است. اگر خود کلام دارای ابهام باشد، ناکامی در فهم کلام بر عهد متکلم است و این امر برخلاف غرض دستیابی به اهداف نزول است. پژوهش‌رژگان مشابه گامی در جهت دریافت مدلول دقیق کلمات مشابه قرآن و راهی برای فهم آنها به شمار می‌رود.

از آیه «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۴ در می‌یابیم محتوا و معارف قرآن قبل از قرارگرفتن در قالب الفبا، فراتر از ادراک بشری بوده است و تعیین قالب الفاظ عربی و فروفرستادن آن با هدف تفکر انسان‌ها در این کتاب صورت گرفته است.^۵ فصاحت و خواندنی‌بودن قرآن زمینه را برای فهم دقیق و صحیح محتوا چنان فراهم آورده است که مخاطب به تفکر در پیام‌های راهبردی آن بپردازد. (وَلَّيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ «لَا عِلْمَ لَنَا بِذَلِكَ»)^۶ و اگر از این مشرکان بررسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را رام ساخته است، قطعاً خواهند گفت خدا چنین کرده است؛ پس چگونه به پرسش غیر او کشیده می‌شوند؟

۱. نساء: ۱۱۳.

۲. بقره: ۱۵۱.

۳. همان، ۱۸۵.

۴. زخرف: ۳.

۵. محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۸، ص ۸۳.

۶. عنکبوت: ۶۱.

اثرگذاری موضوعها بر اندیشه و فهم انسان جزو اهداف نزول است.^۱ دستیابی به این اغراض از دو بُعد امکان دارد؛ یک بُعد نگرش به نمای کلمات چینش و ساختار فرازهای آیه‌هاست؛ زیرا کلمات با ترتیب و ترکیب‌های خاص چنان شگفت‌انگیز نظام یافته‌اند که خواننده آیه‌ها را به وجد می‌آورند؛ همانند: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَبَسْمَاءَ أَفْلَحِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۲ و «وَإِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۖ أَنْ أَقْرِضِيهِ فِي الثَّابُوتِ فَأَقْرِضِيهِ فِي السِّيمِ فَلْيَلْقِهِ السَّيِّئَ السَّاحِلَ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ وَآلَقِيكَ عَلَيْهِمْ مَخَافَةً مِنِّي وَتُضَنِّعْ عَلَىٰ غَيْبِي».^۳ زیبایی آیه‌ها از جهت کلمات، هیئت، توازن و آهنگین بودن، خواننده قرآن را به شگفتی وامی‌دارد. شنوندگان آشنا به زبان عربی را نیز به تحسین زیبایی‌های کلامی آیات و تفکر در آنها برمی‌انگیزد. این بُعد توجه به معنای ظاهری کلمات چنان موجب شگفتی می‌شود که مخاطب به جستجوی گوینده سخن می‌اندیشد.

بعد دیگر، فهم دقیق و تفصیلی و پیام معرفتی آیه است. گوناگونی تشبیهات و سرگذشت پیشینیان و برخورداری از محکم، متشابه، ظاهر و باطن که هر یک از جهت معنا با ظرافت‌هایی همراه است، زمینه‌های تعقل در مدلول آیه‌ها و مفردات آنها را فراهم می‌آورد. توجه به ساحت‌های معنایی ربان عربی قبل از نزول وحی و تحقیق در ابعاد معنایی همان الفاظ بعد از نزول وحی، مرحله‌هایی است که پژوهش دقیق و جامعی می‌طلبد و بدون تردید اثر آن در فهم کلام با این پیشینه معنایی برجسته است. اصولاً نیازهای مادی و زندگی جمعی سبب شد انسان الفاظ و نشانه‌ها را برای ایجاد ارتباط وضع کند. با توجه به محدودیت زندگی و نیازهای مادی، انسان فراتر از

۱. در این کلام محور مدلول و معنای الفاظ است که در حوزه معناشناسی و مباحث مربوط به الفاظ طرح می‌شود؛ بنابراین مباحث تأویل قرآن، بطون و... که از سنخ معناشناسی الفاظ نیست - از حوزه بحث خارج است.

۲. هود: ۴۴.

۳. طه: ۳۸-۳۹.

نیازهای مادی، نیازی را نمی‌شناخت. همین پیشینه باعث می‌شود به هنگام شنیدن الفاظ، معناهای مادی آنها به ذهن خطور کند.^۱ در این مرحله، زبان ابزار شناخت محسوسات و ارتباط مادی انسان با طبیعت و اطرافیان خود شد. با توجه به اینکه زبان عربی توانمندی‌های وسیعی دارد، برای حروف و کلمات، معناهای متفاوت وضع کرده است. واژه‌های مستقل برای اشیا در حالات خاص و وجود قوانین و ضوابط زبانی، ظرفیت‌های زبان عربی را نشان می‌دهد؛ به نمونه‌هایی از ظرفیت‌های زبان عربی اشاره می‌کنیم:

در زبان عربی، فراتر از قراردادن واژه مخصوص برای اصل موجودات، برای صفت‌ها، حالت‌ها، عوارض و برعکس، تفاوت‌های متفاوت آنها نیز لفظ مستقل وجود دارد. عرب برای عموم فریادهای لغت «سراخ» را وضع کرده است؛ فریاد شدید هنگام مصیبت را «صراخ» گوید؛ فریاد به هنگام مناظره و دشمنی را «ضخب» نامد؛ به صدای بلند هنگام شادی «زجل» و به صدای بلند هنگام ترس «هقه» گوید؛ «واعیه» فریاد هنگام سوگواری برای مردگان و «نَعیر» فریاد شخص، برابر شکست و غم است.^۲ در این زبان به سفر گروهی - چنانچه حرکت در روز باشد و شب استراحت کنند - «تأویب» و چنانچه شب و روز حرکت کنند، «الامساء» گویند؛ اگر سفر از اول شب باشد، «ادلج» و اگر در تمام شب باشد، «اسراء» نامند.^۳ برای فرار - در صورتی که با ترس همراه باشد - لغت «اهطاع» وضع شده است و چنانچه فرار با ترس و لرز باشد، «اهراع» گویند.^۴ عرب‌ها برای پرواز پرندگان در شکل‌های مختلف، انواع بیماری‌ها، حالات بیمار و بیماری اعضای خاص، نام‌ها و علامت‌های لفظی خاص دارند.^۵

۱. محمدحسین طباطبائی: المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، ص ۱۰.

۲. ابومنصور ثعالبی: فقه اللغة؛ ص ۱۹۰.

۳. ابومنصور محمد بن احمد ازهری: تهذیب اللغة؛ ج ۱۳، ص ۵۲.

۴. ابومنصور ثعالبی: فقه اللغة؛ ج ۳۷، صص ۱۹۰ و ۱۸۲.

۵. رک: همان، صص ۱۲۴ و ۱۸۲.

زبان عربی با توانایی‌های یادشده در حالی زبان قرآن قرار گرفت که تا زمان نزول این کتاب آسمانی، قواعدی برای آن زبان تدوین نشده بود؛ همچنی واژه‌های عربی تنها برای معنا و مدلول‌های خارجی و حسی به کار می‌رفت. با توجه به سطح فرهنگ و دانش اقوام عرب قبل از اسلام و محیط فکری و فرهنگی دوران جاهلیت، فلسفه وضع کلمات، شناختن و علامت‌گذاری چیزی فراتر از امور حسی نبوده است. در چنین وضعیتی، و هم از این کلمات برای رساندن مسئله‌های و رای حسی استفاده کرد. این ویژگی بجا آمده است معنائشناسی مفردات قرآن با دشواری صورت پذیرد؛ زیرا تبادل معنای حسی مانع ربایات صحیح مفاد و مدلول کلمات در زبان قرآن است.

عرب‌زبان برای بیان این از کلمه «رؤیت» استفاده می‌کند؛ درحالی‌که واژه‌های «بصر»، «نظر»، «شهد» و مشتقات آنها نیز برای رساندن معنای دیدن به کار رفته‌اند؛ «نظر» دیدن تفکرآمیز و با هدف آشکار کردن چیزهای ناپیداست؛ «ناظر» خواستار ظهور شیء پنهان است که با نظر حاصل می‌شود؛^۱ مانند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ».^۲ «رؤیت» ادراک مرئی است و در آنجا که ادراک ممکن نباشد، استعمال می‌شود.

کشف معانی اصطلاحات قرآنی

خاستگاه اصطلاحات به‌کاررفته در حوزه دانش‌های دینی معنی و سی است. این اصطلاحات در سنت مکتوب نیز با همان معنا به کار رفته‌اند و تعریف و مشخصات آنها باید از منشأ اصلی (کتاب) دریافت شود؛ اما به هنگام شرح آنها به تدریج تعریف اصلی‌شان کمرنگ شده و تعریف‌های جدید جانشین تعریف قرآنی شده است. این جابجایی سبب شده است محتوا و بافت علمی اصطلاحات با معنای و حیاتی آنها از

۱. ابوهلال عسگری؛ معجم الفروق اللغویه؛ ص ۵۴۳.

۲. غاشیه: ۱۷-۱۸.

یک سو و آثار و احکام از سویی دیگر تفاوت پیدا کند.

در نظام معرفتی نیز موضوعات تعریف‌شده درون دین با ساختاری خاص با مجموعه‌ای از کلمات و عنوان‌ها طرح و ارائه شده است. روابط معنایی موضوعات بر اساس بافت متن وحی، معنای حقیقی و درست می‌یابد و با تغییر عنوان‌ها، موضوعات از نظر ساختار و روابط تحول می‌یابند و شاکله نظام معرفتی نیز دچار تحول می‌شود. هر اصطلاح دارای تعریفی است و آن تعریف هم آثار و احکامی خاص در پی دارد. اگر خصوصیات آن به شکلی تغییر کند که مشخصه‌های اولی را از دست بدهد، قهراً با عنوان اصلی تفسیر پیدا می‌کند و عنوان جدیدی با آثار، عوارض و احکام خاص حادث می‌شود.

بازشناسی موضوعات دینی

شاخه‌ها و مسئله‌های معرفت دینی، از آیشخور قرآن سیراب می‌شوند؛ چه موضوعاتی که قبل از ورود به حوزه دین بوده و داشته و شناخته‌شده بوده‌اند، چه موضوعاتی که برای اولین بار دین آنها را مطرح کرده است. گروه اول با ورود به عرصه دین، صبغه دینی یافته است و گروه دوم نیز با کلمات متفاهم نزد عرب‌زبانان طرح شده است؛ سپس بایسته است فرهنگ و ادبیات وحی و مرکزی‌های معنای دینی این گروه را تعریف کند.

تحلیل واژه‌های مشابه در قرآن می‌تواند نخست عنوان‌ها را در زمان صدور متن دینی و با نگرش به معنای دینی بشناسد؛ سپس با کنارزدن دیدگاه‌های مختلف، بستر بازشناسی آنها را فراهم سازد. در این تحقیق متن زبان معیار (متن وحی) در شناخت عنوان و حدود و مشخصه‌های آن بازشناسی و بر اساس آن برابر تعریف نخستین ارائه می‌شود.

بازشناسی عنوان موضوع پیش‌نیاز ارائه صحیح دین به محیط‌های علمی، متفکران و نخبگان است و به روشنی پاسخ شبهات پر شمار ناشی از تعریف نادرست عنوان‌ها و

موضوعات را ارائه می‌دهد؛ البته آنچه بازشناسی یادشده را دارای اهمیت می‌کند، پیامدهای آن در عرصه مسئله‌های معرفت دینی است؛ زیرا همان‌گونه که شناخت تفاوت معنای «رحمان» با «رحیم» محدوده رحمت را درباره مؤمنان و کافران و ظرف رحمت را در دنیا و آخرت تبیین می‌کند، شناخت تفاوت معنای «آلاء» با «عطاء»، «منت» و «نعمت» ماهیت، نوع و ظرف نعمت‌ها را در این آیة‌ها مشخص می‌سازد:

«فَبَأَى آتَى رَبِّكَمَا تَكْذِبَان»^۱

«مَا كَانَ عِطَاءُ رَبِّكَ مَخْظُورًا»^۲

«وَتِلْكَ نِعْمَةٌ كُنْهَاءٌ لَّكَ»^۳

«لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ»^۴

تفاوت‌ها در معنای کلمات مشابه در حوزه‌های متنوع وجود دارد؛ در صفات ذات خدا واژگان «اراده»، «اختیار» و «مشیت» بر آیة‌ها موجب شناخت دقیق ابعاد اراده و حوزه‌های آن و مراتب و مراحل فعل خدا می‌شوند، آن گاه که همین کلمات در انسان‌شناسی به کار روند، اراده انسان با خصوصیاتش شناخته می‌شود و ذکر خواسته‌های انسان در کنار واژه‌های «امل»، «امنیه»، «رجاء»، «سؤال» و «طمع» معنای دقیق این واژگان را روشن می‌کند؛ چنان‌که کلمات «ابدع»، «ابرا»، «انشاء»، «جعل»، «حدث»، «خلق»، «صنع»، «عمل» و «فعل» در آیة‌ها توحید افعالی را در انواع فعل خدا را تبیین می‌کند.

در عرصه واکنش انسان‌ها به دعوت پیامبران، کلمات «انکار»، «تکذیب»، «جحد» و «اباء» تنوع عملکرد انسان‌ها در برابر رسالت پیامبران را روشن می‌کنند. معناشناسی

۱. رحمن: ۱۳، ۱۶ و ۱۸.

۲. اسراء: ۲۰.

۳. شعراء: ۲۲.

۴. ابراهیم: ۱۱.

واژگان «افتراء»، «افک»، «بهتان»، «خرص»، «زور» و «مریه» از یک سو و «استهزاء» و «سخر» از سوی دیگر، مسئله‌های پرشماری را در اخلاق روشن می‌کند. در شناخت مسائل اجتماعی، کلمات «اضر»، «بیعت»، «ذمة»، «رهان»، «عقد» و «عهد» واژه‌های مشابه و راهگشا هستند.

کلمات مترادف به کتاب محدود نیستند و در سنت نیز حضوری گسترده دارند؛ موضوع‌های اخلاق، فقه و حقوق بیشتر از اصول معارف، به سنت مستندند و معاشناسی این واژه‌ها زمینه‌های بازشناسی مسئله‌های فرعی اخلاقی، فقهی و حقوقی را نیز فراهم می‌کند.

بسترسازی تفسیر و بنا

همان‌گونه که به اختصار می‌بینیم، فهم انسان‌ها از الفاظ - با توجه به چگونگی شکل‌گیری معانی نخست الفاظ - همان‌سانی مادی است. بشر کلمه «نور» را برای افاده معنای روشنایی قرار داده است؛ اما این کلمه در ادبیات دین با معنای مادی آن تفاوت دارد؛ مانند: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱ و «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»^۲. طبق آیه قرآن، فلسفه نزول این کتاب برای انسان‌ها به نور بعد از خروج از ظلمات است (كِتَابٌ أُنزِلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)^۳؛ نوری که فلسفه نزول کتاب است، با نور به معنای بشری تفاوت دارد. استفاده از کلماتی که فهم مدلول حسی آنها برای بشر ممکن بوده است، گام بلندی در سیر علمی و تکاملی از حس به مسائل معرفتی فراحسی است. اگر دین برای تبیین معارف و تعلیم آموزه‌هایش واژه‌های جدیدی ابداع و تعریف می‌کرد و نظام معرفتی

۱. نور: ۳۵.

۲. مائده: ۱۵.

۳. ابراهیم: ۱.

خویش را در قالب آن الفاظ قرار می‌داد، بشر به دوره‌ای برای آموزش آنها نیاز داشت. با نزول وحی به زبان عربی، تجرید معانی کلمات و ارتقای فهم انسان‌ها از معنای مادی مدلول الفاظ به معنای خاص در فرهنگ دین، نیازمند آموزش است. فهم پیام‌های دین نیز بدون تردید در فضای زبان دین با فرایند یادشده تحقق پیدا می‌کند؛ به دیگر سخن، دستیابی به پیام‌های دین از مسیر معنای دینی کلمات ممکن است. در این مسیر بایسته است نخست معنای دینی کلمات را بشناسیم و سپس با ترکیب معانی آن کلمات، پیام را دریافت کنیم. این کار هم از نظر روش با جریان غالب در پیشینه هزار سال نوشتار تفسیر متفاوت است و هم در نهایت تفاوت اثری دارد؛ زیرا در شیوه متداول، محتوای آیه‌ها به صورت جمله واحد، تکیک‌ناپذیر تصور می‌شود و تفسیر بر اساس پیش‌فرض معنایی انجام می‌گیرد. گسره این رویکرد به تفسیر را می‌توان در تفسیرهای پرشمار مستند به کلیت آیه نظاره کرد؛ در حالی که تعیین مدلول و مراد جمله بعد از شرح و توضیح مفردات جمله شایسته است؛ این بنا بر گونه واژه‌بنیاد و مقدمات آن تحقیق در معنای مفردات، حروف و ادات آیه است؛ البته معنایی که دین به آنها داده است. با این شیوه، دشواری‌ها در تفسیر برخی آیه‌ها با استناد به تحقیق عناشناختی و نتیجه‌گیری از مفاد کلمات از میان می‌رود و ذهنیت‌های غیرمستند و در حوزة تفسیر نمی‌شود و در نهایت تفسیر آیه‌ها بر محور تعریف دینی مفردات ارائه می‌شود.

در اینجا به نمونه‌های اولیه تحلیل واژه‌های مشابه اشاره می‌کنیم. واژگان «ابن»، «ولد» و «غلام» مشابه هستند؛ فرزند پسر معنای مشترک آنهاست و در آیه‌ها نیز به همین معنا آمده‌اند. در تحقیق روشن شده است هر یک از این کلمات ویژگی معنایی خاص دارد. «ابن» بر وزن «فعل» به تناسب معنای فعلی «ابن» (ساختن) به پسر - که پدر او را بنا کرده است - گفته می‌شود.^۱ به آنچه زاییده شده است، «وَلَدٌ» بر وزن

«فَعَلَ» می‌گویند؛^۱ فرزند را هم از آن جهت که از مادر متولد شده است، «ولد» نامند؛ اصل آن «وَلَدَ يَلِدُ» است.^۲ به پسری که نشانه جوان‌بودن (موی ظاهر صورت) او آشکار شده باشد، «غلام» گویند؛ نیز در اوج گرفتن شهوت گویند «اغتم الغلام».^۳

آیه‌های قرآن در مقام بیان تولد فرزند و پیامدهای ولادت همانند تغذیه از لفظ «وَلَدَ» و مشتقات آن استفاده می‌کند؛ مانند: «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»؛^۴ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ... وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَرِثَتُهُنَّ... لَا تَضَارَّ وَالِدَةٌ وَبُيُوتُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ»^۵ و «قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلى شَيْخًا».^۶ هرگاه سخن از فرزند به جهت رابطه بنا و مینا با پدر است، تعبیر «ابن» به کار رفته است؛ مانند: «إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ... يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»؛^۷ «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ... يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا»^۸ و «ارْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ».^۹ هنگام توجه به دوران جوانی و لوازم آن، کلمه «غلام» ذکر می‌شود؛ مانند: «قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ»^{۱۰} و «إِنَّا نَبْشُرُكَ بِغُلَامٍ».^{۱۱} جدایی از ابداد و شلف فرزند و بهره‌گیری از عنوان خاص متناسب با آن اعجاز قرآن در کاربرد دقیق واژگان را برجسته می‌کند.

در برخی آیه‌ها واژگان «ابرام»، «اتقان» و «احکام» را معنای مشترک استوارکردن

۱. احمد بن محمد فیومی؛ المصباح المنیر؛ ص ۶۷.

۲. همان. ابوالقاء الکفوی؛ الکلیات؛ ص ۹۴۴. ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۱، ص ۱۳.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۲، ص ۱۳۵۲. ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۱، ص ۳۸۷. ابومنصور

محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۸، ص ۱۴۰.

۴. مجادلہ؛ ۲.

۵. بقرہ؛ ۲۳۳.

۶. هود؛ ۷۲.

۷. لقمان؛ ۱۳.

۸. هود؛ ۴۲.

۹. یوسف؛ ۸۱.

۱۰. همان؛ ۱۹.

۱۱. مریم؛ ۷.

وجود دارند. در ابتدا تصوّر می‌شود این واژه‌ها مترادف‌اند؛ اما هنگام تحقیق روشن می‌شود هر واژه معنای خاصی دارد: «ابرام» استوارکردن کاری است که با به‌هم‌پیوستن ابزار حاصل می‌شود؛^۱ «اتقان» استوارکردن عملی است که با مهارت و کاردانی فاعل تحقق می‌یابد (فَلَانٌ تَقَنَّ مِنَ الْاِتْقَانِ (موصوف بالاتقان) ای حاذق فی عمله).^۲ «احکام» محکم‌کردن از جهت جلوگیری از خلل و مانع است (کل شی منعه من الفساد فقد حَكَمْتُهُ وَحَكَمْتُهُ واحکمته).^۳ در آیه: «أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ»^۴ آیا امری را استوار ساخته‌اند ما نیز امری را استوار می‌سازیم و نیرنگشان را بی‌اثر می‌کنیم»، «ابرام» درباره برنامه‌ریزی سرکار، قریش برای قتل پیامبر ﷺ به کار رفته است و برنامه پیچیده خداوند برای نجات پیامبر از آن توطئه نیز «ابرام» نامیده شده است.

«اتقان» به معنای استوارکردن از جهت کاردانی و مهارت فاعل در خلقت موجودات آمده است؛ مانند: «ضَعَفَ لَهُ أَلَمٌ أَلَمٌ أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ»^۵ کار خداست که هر چیزی را استوار ساخته است. اتقان خلقت محکم‌کردن آفرینش از جهت مهارت فاعلی است. مفسران «احکام» را استواری در فعل خدا دانسته‌اند.^۶ «احکام» در قرآن در اتقان آیه‌ها آمده است؛ مانند: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ لِيُذَكِّرَ الْفَاسِقَ»^۷ کتابی است که آیاتش از جانب حکیمی آگاه استوار شده و از گناه تفصیل داده شده

۱. خلیل‌بن‌احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۱، ص ۱۵۷. ابن‌درید؛ جمهرة اللغة؛ ج ۱، ص ۲۸. اسماعیل‌بن‌حقاد جوهری؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ ج ۵، ص ۱۸۶۹. ابومنصور محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۱۵، ص ۲۲۰. ابن‌فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری؛ اساس البلاغة؛ ص ۳۹. ابومنصور محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۹، ص ۶۰. اسماعیل‌بن‌حقاد جوهری؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ ج ۵، ص ۲۰۸۶. ابن‌منظور؛ لسان العرب؛ ج ۲، ص ۷۳.

۳. خلیل‌بن‌احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۱، ص ۴۱۲. ابومنصور محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۴، ص ۱۱۲.

۴. زخرف؛ ۷۹.

۵. نمل؛ ۸۸.

۶. علی‌بن‌محمد ماوردی؛ النکت والمیون؛ ج ۴، ص ۲۳۱.

۷. هود؛ ۱.

است». همان‌طور که در لغت گذشت، «احکام» محکم‌کردن از جهت جلوگیری از خلل و مانع است.^۱ بر اساس معاشناسی مستند در لغت، این آیه مصونیت آیه‌های قرآن را از هرگونه آسیب و آفت اعلام می‌دارد.

با توجه به تنوع موضوعی واژگان مشابه، تحلیل این واژه‌ها در قرآن بسترسازی تفسیر در ابعاد جدیدی را نوید می‌دهد. این تفسیر بر اساس اطلاعات و مستندات معنایی دقیق اعتبار و اتقان خاصی دارد.

تحلیل واژگان مشابه به دو گونه بر عموم موضوع‌های دینی اثر می‌گذارد: گونه مستقیم و گونه غیرمستقیم؛ گونه مستقیم با دلیل لفظی از کتاب و سنت مستند شده است و گونه غیرمستقیم مسئله‌هایی است که کلمات و اصطلاحات مستندات اصلی آنها تحوّل معنایی یافته‌اند و در نتیجه منظومه معرفتی، نظام و روابط موضوعات مسئله‌ها در معرفت دینی در موقعت تلازمی قرار می‌گیرند.

با در نظر گرفتن دشواری‌ها، پیچیدگی‌ها و نبود اثر کاملی در زمینه تحلیل واژگان مشابه، این پژوهش در آغاز راه است. مرکز فرهنگ و معارف قرآن با تشکر از کارشناسان، صاحب‌نظران و پژوهشگران ارجمند که دیدگاه‌های خویش را درباره نسخه‌نمونه‌های محدود و مختصر اولیه این طرح ارائه کرده‌اند، برای تکمیل طرح و برطرف کردن کاستی‌ها صاحب‌نظران قرآن‌پژوه را صمیمانه به همکاری می‌طلبد تا دیدگاه‌های خود را در زمینه‌های ساختار طرح، محتوا و در نهایت «تحلیل واژگان مشابه در قرآن» بیان کنند. پیشاپیش از بذل محبت کسانی که محققان طرح را مشمول لطف خود می‌سازند، سپاسگزاری می‌کنیم.

۱. خلیل بن احمد فراهیدی؛ العین؛ ج ۱، ص ۴۱۲. ابومنصور محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۴، ص ۱۱۲.

تدوین کنندگان

۱. ابوالفضل یغمایی
۲. احمد باقریان
۳. حسن شاه ولدی
۴. سید تقی حسینی
۵. سید محسن سادات
۶. عباس کرثر
۷. علی جان کریمی
۸. عیسی عیسی زاده
۹. محمد صادق یوسفی مقدم
۱۰. محمد مهدی فیروز مهر
۱۱. مصطفی پاینده

سایر همکاران

۱. احمد خیرخواه
۲. احمد علی تقی پور
۳. اسدالله باوندپور
۴. حامد بهرامی
۵. سید احمد سادات
۶. سید اسماعیل سلیمانی
۷. سید حسن حیدری موسوی
۸. سید جعفر موسوی تبار

۹. سید محمد اسماعیلی

۱۰. عبدالحسین جان‌پور

۱۱. قاسم حسین‌زاده

۱۲. محمود نیاکان

۱۳. مصطفی کریمی

محمد صادق یوسفی مقدم

www.ketab.ir